

چرا مرکز جاسوسی آمریکا تسخیر شد؟ چرا نخست وزیر منتخب امام سقوط کرد؟

تسخیر سفارت آمریکا بیانگر این واقعیت است که لااقل یک جناح از روحانیت نمی تواند تنها به اتکای تخیلات و آپس گرای خود و بدون توجه به خواست ها و تمایلات پایگاه طبقاتی اش روی حمایت

خرده بورژوازی حساب کند.

در صفحه ۱ ضمیمه

همانگونه که سازمان ما
پیش بینی کرده بود
مصوبات مجلس
به اصطلاح
خبرگان ارتجاعی تر
از پیش نویس
قانون اساسی است

سازمان ما در جریان انتخابات
مجلس خبرگان چند روزنامه "کار"
و چند در بیانیه ها و جمعیات و
سخنرانی ها، قاطعانه اصول
ارتجاعی پیش نویس قانون اساسی
را افشا نموده بود و به ارتجاعی تر

بقیه در صفحه ۷

بمناسبت شصت و دومین سالگرد انقلاب کبیرا کتبر

انقلاب کبیرا کتبر

به منزله آغاز و مقدمه انقلابات پرولتری سراسر جهان



کتابخانه

استاندار خوزستان سس ساواک را بازی میکند؟
دربدار مدنی دستور داده است
شورای اسلامی کارکنان سدکو سداوران
را منحل کنند

کارکنان مبارز سدکو سداوران:

«تا آخرین قطره خون خود از (شورا) پشتیبانی می کنیم»
در صفحه ۲

۷ نوامبر (۲۵ اکتبر) مصادف
است با انقلاب کبیرا کتبر، ما این روز
تاریخی را به پرولتاریا و تمام
زحمتکشان تبریک می گوئیم.

انقلاب کبیرا کتبر
سراغاز فصل نوینی در تاریخ
بشریت، در رسالت تاریخ
پرولتاریا و در نجات انسان ها از
بوغ بتدگی، بردگی و استثمار است
۲۵ اکتبر ۱۹۱۷ روزی است که
بقیه در صفحه ۱۱

اقدام انقلابی
دانشجویان در مورد
حل مساله مسکن

هفته گذشته دانشجویان که پس
از مدت ها مراجعه به مسئولین
دانشگاه از حل مساله مسکن و تامین
خوابگاه برای خود نا امید شده بودند
با یک اقدام انقلابی هتلهای را که
سر مایه داران فراری باجیاول و
بقیه در صفحه ۳

بانکها همان بانکهای استثمارگر هستند
و مدیران آنها همان مدیران وابسته به رژیم سابق

در حالی که چند ماه از
تبلیغات پرهیا هوومیان تهی
دولت درباره ملی کردن بانکها
می گذرد، امروزه تنها برای کسانی
که مختصرا اطلاعی از مسائل
اقتصادی و سیاسی دارند، بلکه
بقیه در صفحه ۲

جنبش دمکراتیک
خلقهای ایران
و مساله
بلوچستان

در صفحه ۵

شوراهای کارگری
و مساله وابستگی در کارخانجات

شورای کارگری
هر مرجعی سعی دارد از طریق پاس دادن و کاغذ بازی ما را دست
بسرکند و خسته مان نماید. ما تاکنون تمام مراحل قانونی را
پشت سر گذاشته ایم، اما اکنون به این نتیجه رسیده ایم که باید
تنها به قدرت خودمان متکی باشیم.
در صفحه ۳

در پیرامون وظایف هواداران

رفقا! ما از قیام شکوهند خلقهای زحمتکش و قهرمان میهن ما می گذرد.
هر کدام از ما، اینک با کوله باری از تجربه های تازه و بار و باره گذشته
می نگریم. فقدان صف مستقل طبقه کارگر و سازمان سیاسی سراسری آن
ما تم از اعمال اراده تاریخی کارگران در جنبش عظیم ضد امپریالیسم و
دمکراتیک میهن ما شد. این عامل تعیین کننده در شکست انقلاب ایران
بود. چنین شرایطی بود که به روحانیت امکان داد با بر خود داری از
تشکیلات سنتی - مذهبی و با بهره گیری از اعتقادات مذهبی،
توده های وسیع مردم به منظور تشکیل "جمهوری اسلامی" بسیج
نماید.

روحانیت تا قبل از انقلاب مضمون اصلی "جمهوری اسلامی" یعنی
ولایت فقیه را از توده ها پنهان ساخت و همین امر نقش موثری در تاسیس
همونی آن بازی کرد. اینک کارگران و زحمتکشان ۹ ماه تجربه را
پشت سر گذاشته اند و در حال کسب تجربه های تازه تری به سر می برند.
بحران اقتصادی دا منگسترده ای یافته است. تضادهای درونی
هیئت حاکمه هر روز حدت بیشتری می یابد، خزیدن لیبرالها بر ای
تسخیر مواضع قدرت سیاسی از یک طرف و اقدامات تنگ نظرانه
طرفداران "ولایت فقیه" از سوی دیگر به بحران سیاسی جامعه دامن
می زند و متقابلا ناتوانی کل حاکمیت را در مقابله با بحران همه جانبه
جامعه، افزون و افزونتری سازد.
بر چنین زمینه ای است که طرفداران ولایت فقیه که نمی توانند به
بقیه در صفحه ۴ ضمیمه

توطئه ای که علیه یکی از اعضای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران طراحی شده بود

«رحالته رفیق ما در جنگ با سداوران اسیر بود و در
مخفیگاهی نزدیک پارک شهر تهران زندانی شده بود،
رژیم حاکم با استفاده از شیوه های قبلی ساواک
اعلام کرد او را "دمکراتها" در راه بوکان ربوده اند.»
در صفحه ۸

گزارشی از اعتصاب فاسترویلر - تهران جنوب وابسته به صنایع فولاد اهواز اعتصاب، تظاهرات و راهپیمایی

کارگران مبارز و متحد فاسترویلر
علیه شورای فرمایشی کار فرما
در صفحه ۶

تشکیل اتحادیه سراسری دهقانان ترکمن صحرا گام بزرگی در جهت تقویت و استحکام شوراهای دهقانی

بنا به دعوت اتحادیه های دهقانی و به منظور تصمیم گیری پیرامون
مسائل ارضی و چگونگی کشت روی زمینهای که سرسپردگان شاه سابق
به زور از دهقانان گرفته بودند، هشتمین کنگره شورای ترکمن صحرا
تشکیل شد.
بقیه از صفحه ۴

چگونگی برگزاری انتخابات دمکراتیک شورای شهر ترکمن صحرا بیانگر آگاهی انقلابی خلق ترکمن است

فتریون انحصار طلب شیوه برخورد انقلابی خلق ترکمن را ببینند و
درس بگیرند! هر چند که ماهیت ارتجاعی شان این اجازه را به آنها نخواهد داد

اعضاء و شورای شهر گنبد و قتی
دیدند هیچ از اهالی غیر ترکمن در
شورا انتخاب نشده اند. به منظور
حفظ وحدت و همبستگی و طبق تصمیم
شورا سه نفر از اعضای شورا استعفا
نموده و جای خود را به اهالی غیر
ترکمن دادند. مرکز هماهنگی
شوراهای محلی گنبد اعلامیه ای در
این زمینه منتشر کرد.
بقیه در صفحه ۵

مردم میهن ما قاطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

بانکها همان بانکهای استثمارگر هستند و مدیران آنها، همان مدیران وابسته به رژیم سابق

بقیه از صفحه ۱

دولتی کردن بانکها و انگیزه هاشو که موجب اتخاذ چنین تصمیمی شد به روشنی مشخص شده است.

کنفرانس اقتصادی دولت در اوایل خردادماه گذشته و مطالبی که از جانب مقامات مختلف اقتصادی و سیاسی در این کنفرانس اظهار شد پرده از بسیاری اقدامات و حرکتها و برنامه های دولت برداشت.

مصاحبه ها و سخنرانی های محمد علی مولوی رئیس کل بانک مرکزی در نخستین ماههای انقلاب و پرداخت ۳۴ میلیارد دوه ۶ میلیون ریال به بانکهای خارجی که سهامشان به اصطلاح ملی شده، جایگاهی مدبران عامل و روسای سرسپرده بانکها (که عموماً از وابستگان رژیم سابق و از عوامل دست آموخته موسسات مالی بین المللی آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان، ایتالیایی و ژاپنی هستند) کمکهای چند میلیاردی دولت به بانکها و سرمایه گذاران وابسته تسهیل حاکمیت موجود به بازگشت سرمایه داران فراری و اطمینان خاطر دادن به آنها، افزایش و سیاست تضعیف بهره و امپای مردم زحمتکش و دهها صدها اقدام ضد مردمی دیگر نشان دهنده تامین منافع سرمایه داری وابسته و بازگرداندن جامعه به وضع گذشته

است. هدف افزایش این لیست افزایش اسامی و سمتهای مدیران و مسئولان طراز اول بانکها است که قاعدتاً می بایست بیشتر مسئولیت و سهم را در درگرونی نظام بانکی کشور داشته باشند. همانطور که ملاحظه می شود تمامی مدیران فعلی بانکها همان روسا و مدیران وابسته پیشین هستند و تقریباً می توان گفت هیچگونه تغییری حتی سطحی و قشری نیز انجام نگرفته است. در بسیاری از بانکها بعضی اعضا هیئت مدیره سابق کماکان ایفا شده و سرمایه شان محفوظ مانده است، همچنین بعضی از مدیران عامل بانکها سها مدار و با عضویت سابق در بانکها باقی مانده اند. مدیران بانک دیگری هستند، اما مدبران وابسته بانکها در شرایطی انجام می گیرند که با شرایط کارکنان بانکها مبارزه می شود و اعضا آنها از کار اخراج می شوند. (به عنوان نمونه برکناری و تعلیق ۶ تن از اعضا شورای بانک بین المللی ایران) همچنین کوچکترین تعدیلی در شرایط و امپاها و کاهش بهره بانکها انجام نگرفته است و اقساط بانکی خود را که تا چهار برابر پول دریافتی می رسند بهر دزدند.

نام بانک	نوع بانک و سرمایه گذاری	نام مدیران فعلی	سمت قبلی مدیران (قبل از انقلاب)
۱- بانک ملی ایران	دولتی - تجاری	حلیل عراقی	مدیر عامل قبل از انقلاب - عضو شورای پول و اعتبار و وابستگان رژیم سابق
۲- بانک مرکزی ایران	دولتی - تجاری	محمد علی مزلوی	رئیس کل ادارات و وابستگان رژیم سابق
۳- بانک پارسی	مختلط - تجاری	گرسبانی	رئیس کل ادارات و وابستگان رژیم سابق
۴- بانک صادرات	مختلط - تجاری	علی انصاری	مدیر عامل بانک صادرات
۵- بانک تهران	مختلط - تجاری	حسن المانی	مدیر عامل بانک صادرات و قائم مقام
۶- بانک رفاه	دولتی - تجاری	سعود امیری	مدیر عامل بانک قبل از انقلاب
۷- بانک کارگشایی	دولتی - تجاری	حمیدی	مدیر عامل بانک قبل از انقلاب
۸- بانک توسعه صنعتی و معدنی	مختلط - تجاری	غلامرضا مدام	مدیر عامل بانک توسعه سرمایه گذاری
۹- بانک توسعه و سرمایه گذاری (سپاد)	مختلط - تجاری	ابرج آرزوم	مدیر عامل بانک ایران و ژاپن
۱۰- بانک توسعه کشاورزی	دولتی - تجاری	نعمت الله عطیسی	قائم مقام بانک قبل از انقلاب
۱۱- بانک راه کارگران	دولتی - تجاری	سید محمد پرویز	مدیر عامل بانک قبل از انقلاب
۱۲- بانک ایران زمین	مختلط - تجاری	کریم آبادی	رئیس ادارات و وابستگان بانک
۱۳- بانک تجارت	مختلط - تجاری	علی رشیدی	مدیر عامل بانک قبل از انقلاب
۱۴- بانک پارسی	مختلط - تجاری	تیمسار ستار	مدیر عامل بانک قبل از انقلاب
۱۵- بانک سپه	دولتی - تجاری	تیمسار موسوی	مدیر عامل بانک قبل از انقلاب
۱۶- بانک تجارت خارجی	مختلط - تجاری	آزیزت کاظمیان	مدیر عامل بانک قبل از انقلاب
۱۷- بانک تجارت ایتالیا	مختلط - تجاری	اسدالله فرسی	مدیر عامل بانک قبل از انقلاب
۱۸- بانک تجارت آمریکا	مختلط - تجاری	فرهت خورشید	مدیر عامل بانک قبل از انقلاب
۱۹- بانک تجارت فرانسه	مختلط - تجاری	اسماعیل انصاری	مدیر عامل بانک قبل از انقلاب
۲۰- بانک تجارت آلمان	مختلط - تجاری	فرهت خورشید	مدیر عامل بانک قبل از انقلاب
۲۱- بانک تجارت ژاپن	مختلط - تجاری	اسماعیل انصاری	مدیر عامل بانک قبل از انقلاب
۲۲- بانک تجارت انگلیس	مختلط - تجاری	اسماعیل انصاری	مدیر عامل بانک قبل از انقلاب
۲۳- بانک تجارت آمریکا	مختلط - تجاری	اسماعیل انصاری	مدیر عامل بانک قبل از انقلاب
۲۴- بانک تجارت فرانسه	مختلط - تجاری	اسماعیل انصاری	مدیر عامل بانک قبل از انقلاب
۲۵- بانک تجارت آلمان	مختلط - تجاری	اسماعیل انصاری	مدیر عامل بانک قبل از انقلاب
۲۶- بانک تجارت ژاپن	مختلط - تجاری	اسماعیل انصاری	مدیر عامل بانک قبل از انقلاب
۲۷- بانک تجارت انگلیس	مختلط - تجاری	اسماعیل انصاری	مدیر عامل بانک قبل از انقلاب
۲۸- بانک تجارت آمریکا	مختلط - تجاری	اسماعیل انصاری	مدیر عامل بانک قبل از انقلاب
۲۹- بانک تجارت فرانسه	مختلط - تجاری	اسماعیل انصاری	مدیر عامل بانک قبل از انقلاب
۳۰- بانک تجارت آلمان	مختلط - تجاری	اسماعیل انصاری	مدیر عامل بانک قبل از انقلاب
۳۱- بانک تجارت ژاپن	مختلط - تجاری	اسماعیل انصاری	مدیر عامل بانک قبل از انقلاب
۳۲- بانک تجارت انگلیس	مختلط - تجاری	اسماعیل انصاری	مدیر عامل بانک قبل از انقلاب

استاندار خوزستان نقش ساواک را بازی می کند

در یادار مدنی دستور داده است شورای اسلامی کارکنان سدکو سد ایران را منحل کنند

کارکنان مبارز شرکت سدکو سد ایران:

«تا آخرین قطره خون خود از (شورا) پشتیبانی می کنیم»

رژیم سابق و ساواک هر دو در مقام های خود نگه دارند و قدیمی هم در جهت تصفیه و پاکسازی شرکت که از ابتدای ترین خواستهای کارکنان شرکت بوده است، بر ندارد و الا ایشان با نگرانی و وحشت نمی نوشتند "تا آنجا که حتی اقدام به اخراج پاره های از کارکنان می کند".

اما آقای دکتر سیداحمد مدنی به همین قناعت نکرده است و قلدری و استبداد خود را در فرمان کامل بروز داده و نوشته است:

"از این جهت برای اینکامور در آن شرکت روال عادی داشته باشد و از دخالت افراد سازمان های غیرمسئول در امور شرکت جلوگیری به عمل آمده باشد، بدینوسیله انحلال شورائی که در آن شرکت تشکیل یافته بود، اعلام می گردد و از این تاریخ هیچ کس تحت هیچ نام و هیچ عنوان به اسم شورا حق دخالت در امور شرکت را ندارد. . . و هرگاه از این تاریخ این دخالت ادامه یافت چگونگی راهبانداری اعلام و این قبیل افراد را با نام معرفی فرمائید.



استاندار خوزستان

۳۵۹۱۴
۱۳۵۸/۱۱/۱۷

سرپرستی مملکت شرکت سدکو سد ایران

بموجب سوابق مربوط در استان خوزستان در شرکت تشکیل یافته بنام شورای اسلامی کارکنان سدکو سد ایران که این شورا در امور شرکت فعالیت می نماید تا آنجا که جتنی اقدام به اخراج پاره های از کارکنان نمیکند.

چون در اجرای امرام باید بدین جهت مسئولان و مدیران تمام سازمانهای دولتی و مؤسسات دولتی و غیردولتی خود را معین و در اختیار داشته باشند و از این جهت برای اداره هر چه بهتر کارهای این سازمانها استفاده نمایند و افراد غیرمسئول در زیربان کارها حق دخالت و تصمیم گیری نداشته باشند از این جهت برای اینکه امور در شرکت روال عادی داشته باشد و از دخالت افراد و سازمانهای غیرمسئول در امور شرکت جلوگیری بعمل آید. بدینوسیله انحلال شورائی که در آن شرکت تشکیل یافته بود اعلام میگردد و از این تاریخ هیچکس تحت هیچ نام و هیچ عنوان به اسم شورا حق دخالت در امور شرکت را ندارد.

خواهشمند است مراتب را به افراد بجهت بنام شورای اسلامی کارکنان سدکو سد ایران در این شرکت در دخالت بگیرند این تاریخ از این تاریخ این دخالت ادامه نماند چگونگی راهبانداری اعلام و این قبیل افراد را با نام معرفی فرمائید.

دکتر سیداحمد مدنی
استاندار خوزستان

اما کارکنان مبارز شرکت که در اثر مبارزات چندین ماهه خود در این شورا متشکل شده اند قاطعانه قلدری آقای مدنی را جواب دادند و فریاد آن روز در گردهمایی خود با صدور قاطعانه ای "پشتیبانی را سخ و قاطع خود را تا آخرین قطره خون از شورا" اعلام داشتند و بار دیگر به تیسار دریا سالار نشان دادند که مقاومت در مقابل خواست توده ها جز شکست و خواری حاصلی نخواهد داشت. بقیه در صفحه ۴

مدتهاست که دستگاه تبلیغاتی رژیم می کوشد از تیسار دریا سالار دکتر سیداحمد مدنی استاندار خوزستان چهره ای ملی و مردمی بسازد و سپس به وی نقش رضاخانی دیگری بسپارد. بطوری که برود یوار شهرها و بر صخره کوهستانها شعارها و پوسترهایی نصب شده است که وی را رئیس جمهور آینده ایران معرفی می کند و رادیو-تلویزیون آقای قطب زاده و مطبوعات اسلامی شده، مکرر در مکرر از شاهکارهای ایشان در ایجاد نظم و آرامش در خوزستان که در حقیقت سرکوب و حشایش خلق عرب است، صحبت می کنند. اما چهره واقعی این "تیسار دریا سالار" کاملاً مغایر با این تبلیغات است.

برای روشن شدن چهره واقعی آقای دکتر سیداحمد مدنی استاندار خوزستان، به فرمانی که ایشان در تاریخ ۱۷ مهرماه ۵۸ به سرپرستی مملکت شرکت سد ایران صادر کرده اند و در این سند نیز چاپ می شود توجه کنیم. ایشان در این فرمان قاطعانه و مصممانه و بهتر است بگوئیم قلدرانه در مقابل شورا قرار گرفته اند و نوشته اند:

"بموجب سوابق موجود در استاندار خوزستان در آن شرکت تشکیل یافته به نام شورای اسلامی کارکنان سدکو سد ایران که این شورا در امور شرکت فعالیت می نماید تا آنجا که جتنی اقدام به اخراج پاره های از کارکنان می کند".

لایحه تیسار دریا سالار انتظار داشته اند که شورای به وجود آمده همه سرسپردگان و کارگزاران



شوراهای کارگری و مساله وابستگی در کارخانجات

مسئله وابستگی کارخانجات از جمله مسائلی است که بعد از قیام بهمن ماه، در کارخانجات و مراکز کارگری همواره مشکل اساسی شوراهای کارگری بوده است. گزارش زیر که خلاصه گزارش حرکت یک شورایی پیشرو کارگری است به خوبی نمایانگر این مشکل می باشد.

کار فرمای این کارخانه که قبلاً از قیام بهمن ماه به خارج گریخته بود، پس از قیام از طریق مدبر و معاونینش قصد تعطیل کارخانه را داشت که با عکس العمل جدی کارگران مواجه می گردید و کارگران که از این تصمیم می گنجدگت "ما جلوی کارفرما را خواهیم گرفت و او را دیکره کارخانه راه نمی دهیم و هر چه تا بحال مسارا چاییده به زنجیر کشیده، سیاست سبب با تلاش کارگران آگاه و پیشرو و توضیح ضرورت همبستگی و اتحاد از طرف کارگران شورای کارگری کارخانه با نماینده (۲ کارمند و ۶ کارگر) برای اداره و کنترل کارخانه تشکیل می شود. شورا با فاصله دست به تصفیه عناصر ضد کارگری جاسوس زدگانه این عمل موجب جلب حمایت و پشتیبانی بیشتر کارگران گشت. یکماه بعد کارفرما که از پشتیبانی دولت مطمئن شده بود برای تصاحب مجدد کارخانه باز می گردید و کارگران را تهدید می کند. "شما حق نداشتید کارخانه را بدون اجازه من راه بیندازید و من علیه شما شکایت می کنم" کارگران و شورای کارخانه و آری بیرون می کنند و میگویند "ما دیکره نتوانستیم نذاریم". کارخانه یکماه دیگر بدون وجود کارفرما توسط شورا اداره می شود و عواید فروش بطور مساوی بین کارگران تقسیم می گردد. در طی این مدت مواد اولیه هنوز موجود بود ولی پس از آن به این علت که مواد اولیه نبود کارخانه از آلمان می بایست وارد می شد، شورا موفق نمی شود مسئله را حل کند و بدینجهت تضعیف می شود و کارفرما که منتظر چنین فرصتی بود با همکاری سخنرانانی از حزب جمهوری اسلامی خواستار انحلال شورای کارگری و تشکیل یک شورای مشورتی می شود. اما کارگران در این شورا شرکت نمی کنند.

چند روز بعد "شورای مشورتی" به بهانه تصفیه عناصر خلالگر سعی به اخراج اعضای مترقی شورای فیلدنی می کند که با مقاومت کارگران مواجه می شود. بعد از این کارفرما و شورای مشورتی "دست به حیلای دیگر می زنند و قرار می گذارند که کالاهای ساخته شده را کم از کارخانه خارج کنند و پس از یکی دو ماه با اعلام ورشکستگی کارگران را اخراج کنند که توسط عناصر آگاه این توطئه افشا شده و بدنبال آن کارگران تصمیم به تشکیل مجدد شورای واقعی خود می گیرند و بدنبال آن کارفرما با مراجعه به کمیته ها و وزارت صنایع و معادن حکمی به این شرح دریافت می کند. "کارفرما میتواند هر کس را که نخواهد بناز خرید کند" که با مراجعه مکرر کارگران، وزیر پاسخ می دهد. "من این نامه را نوشتم و نامه دیگری نمیتوانم بنویسم شورا این مسئله را برای کارگران مطرح می کند و ما به این تصمیم وزیر را برای کارگران توضیح می دهد.

در این زمان شورا تصمیم می گیرد دست به عمل قاطع تری بزند و برای بدست گرفتن و کنترل کامل کارخانه یک قطعه نامه ۱۲ ماده ای صادر کرد و در برای کارگران توضیح می دهد. "در شرایطی قرار داریم که هر مرجعی سعی در از طریق بی اساس دادن و گام گذاری ما را دست بسر کند و خسته مان نماید. ما تاکنون تمام مراحل قانونی را پشت سر گذاشته ایم اکنون زمان نرسیده که به قدرت خود مان متوسل شویم تا به خواست خود دست پیدا کنیم. با موافقت کلیه کارگران، آنها در نمايشگاه و فروشگاه کارخانه متحصن شده و تصمیم به یک تحصن بلندمدت می گیرند و شعارهای برادر محمل تحصن نصب می کنند.

زنده باد کارگران که با خون خود درخت انقلاب را آبیاری کردند دست امیرالایم جهانی را از کارخانه کوتاه کنید بعد از آن شورا به کار خود و کنترل کارخانه ادامه داد و دو کلیه در آمد فروش را به نسبت مساوی تقسیم می کنند. ولی مشکل وابستگی همچنان لا ینحل مانده است.

اگر به شعار رفقای کارگران "دست امیرالایم جهانی را از کارخانه کوتاه کنید" یادقت توجه کنیم ضروری خواهد بود که سؤال کنیم رفقای کارگر. دست امیرالایم جهانی را چگونه و چه کسی می تواند از کارخانه کوتاه کند؟

حل قطعی مسئله وابستگی واحد های تولیدی جدا از کل مسئله وابستگی اقتصادی و سیاسی جامعه امیرالایم نیست و این امر در سطح واحدهای منفرد تولیدی امکان پذیر نخواهد بود و تنها از راه یکی کردن کلیه واحدهای تولیدی وابسته و سیردن کنترل آنها به دست شوراهای قدرتمند کارگران حل می گردد. آیا دولت جاسوسی سرمایه داران هرگز به چنین اقدامی دست خواهد زد؟ آیا ممکن است سرمایه داران منافع خود را زیر پا نهند و با قطع کامل وابستگی و سپردن قدرت به دست شوراهای واقعی کارگری از منافع بیکران خود چشم پوشند؟

با اعتقاد ما این امر تنها و تنها توسط دولتی امکان پذیر است که نماینده واقعی کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان شهر و روستا باشد و چنین دولتی را نه سرمایه داران بلکه کارگران با همکاری سایر زحمتکشان شهر و روستا تشکیل خواهند داد.

بدین دلیل است که ضرورت اتحاد و همبستگی سراسری کارگران مطرح می گردد و ادامه مبارزه هر شکل کارگری در یک کارخانه در گرو پیوند آن با دیگر شکل های کارگری و تشکیل اتحاد سراسری کارگران ایران در ارتباط با پیشروان طبقه به منظور پیشبرد مبارزه علیه سرمایه داری و امیرالایم ضرورت می یابد. پس شعار رفقای کارگری بایست این می بود.

در اتحاد با کارگران و سایر زحمتکشان شهر و روستا دست امیرالایم جهانی را از کارخانه ها کوتاه کنید

بازگشائی خانه کارگردست کارگران بیکار

تحقق خواستهایمان مبارزه خواهیم کرد "سخنران به پاسداران همدار داد که خانه کارگران را ساعت ۲ مهلت دارند ترک کنند و هنگامی که پاسداران جهت ارباب کارگران با زد ۳ در مقابل کارگران ظاهر شدند، کارگران متشکل و یکپارچه در ساعت مقرر وارد خانه کارگر شده و پاسداران که قادر به هیچگونه مقاومتی نبودند مجبور به ترک آنجا شدند.

بدین ترتیب حرکت متشکل کارگران بیکار در اولین گام با موفقیت به انجام رسید. اما این پیروزی تنها امکان تجمع کارگران را جهت همگامی هر چه بیشتر آنان فراهم خواهد ساخت و کارگران بیکار که بخوبی در یافته اند مذاکره و گفتگو هیچ دردی از دردهایشان را درمان نمی کند به چاره جوئی بنیانی این مسئله خواهند پرداخت.

عج جنکیدیم و خون دادیم، اما هنوز بیکاریم. در مسیر راه پیمائی جمع محدودی از عناصر مترجم و ضد کارگر قصد حمله و تلاشی صغوف آنان را داشتند که کارگران با بی اعتنائی و بیخود درگیری از نزدیک آنان گذشتند. در مقابل خانه کارگر شعار "خانه کارگر، سنگز حمتکشان آزاد بایست گردد" چندین بار تکرار شد و یکی از نمایندگان کارگران طی سخنانی از شرایط همواره سخت زندگی کارگران و شرکت فعالانه آنان در قیام جهت دگرگونی بنیادی وضعیت موجود سخن گفت، آنگاه یکی از کارگران ضرورت تشکیلات و تشکل کارگران را جهت مبارزه با علل و عوامل اساسی بحران و بیکاری بر شمرد، وی خاطر نشان ساخت که دولت هرگز به خواستهای برحق کارگران توجهی ندارد و با وعده و وعید سعی دارد آنان را به صبر انقلابی دعوت نماید سپس افزود. "صبر انقلابی بی پایان رسید، ما حقان را می خواهیم و برای

روز شنبه پنجم آبان ماه راه پیمائی کارگران بیکار بود که ماهیست به اشکال مختلف خواستار اشتغال اند، راه پیمایان از وزارت کار به طرف خانه کارگر به حرکت درآمدند. این راه پیمائی که در ابتدا از صغوف دهها کارگر بیکار تشکیل شده بود در مسیر حرکت گسترش یافت و در پیله های بیکار نیز با حمل پلاکارهایی اعلام پشتیبانی نموده، به صغوف کارگران پیوستند. کارگران با مشت های گره گرده شعارهای زیر را تکرار می کردند.

۱- خانه کارگر، سنگز حمتکشان آزاد بایست گردد.

۲- ریشه های بیکاری نابود بایست گردد.

۳- زن و بچه گرسنه صبر سرش نمیشه - دولت سرمایه دار حرف سرش نمیشه.

۴- اتحاد، اتحاد علیه سرمایه دار.

۵- کار برای کارگر - جهاد سازندگیست.

اعتصاب کارگران سیمان صوفیان

بایروزی به پایان رسید

کارگران سیمان صوفیان ضمن اعلام اعتصاب یکپارچه در تاریخ ۳ مهر ۵۸ تا روز یکشنبه ۸ مهر به دولت مهلت داده بودند تا خواسته های آنها را برآورده کند. ادامه اعتصاب متحد کارگران استان آذربایجان شرقی را مجبور ساخت تا در تاریخ ۸ مهر به کارخانه

مزبور رفته و به موضوع رسیدگی نماید کارگران باری دیگر قاطعانه خواسته های خود را مطرح کردند و سرانجام توانستند به بیشتر خواسته های خود از جمله:

۱- دریافت ماهی تفاوت افزایش حقوق به میزان ۸۱٪ تومان.

۲- ۲ تومان حق خواروبار.

نقل از راه سرخ
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
شاخه تبریز

۳- ۱۰۰ تومان اضافه حق مسکن. جامه عمل بهوشانند و اعتصاب بیکار خود را با موفقیت به پایان برسانند. بقول یکی از کارگران "اتحاد و یکپارچگی همه کارگران کارخانه ضامن پیروزی این اعتصاب بود."

اقدام انقلابی دانشجویان

در مورد حل مساله ...

وسيله ای برای نیات انحرافی خود بهره جویند، می خواهند مسئله مسکن را با هر و جنجال به جاها کسی بکشانند که مانند دیگر اقدامات حادثه جویند خویش بهانه ای برای حمله گروه های راست انحصار طلب به جنبش حق طلبانه جوانان ایجاد کنند. (اعلامیه مورخ ۵/۸/۵۸) البته چنین موضعی از سازمانی که خود را وابسته به حزب توده می داند به هیچ وجه عجیب نیست چرا که آنها در صد مبارزه نیستند و به تنها چیزی که می اندیشند این است که بهر عنوان و بهر قیمتی که شده امکان فعالیت آزاد و علنی داشته باشند و این راهم با محکوم نمودن هر عمل انقلابی و حمایت و مجیز گوئی از حاکمیت جامعه عمل می پوشانند. ماضن تا بید و پشتیبانی صمیمانه از حرکت دانشجویان انقلابی و خواستهای اصولی آنان، این حرکت رانه در برابر خواست توده ها، بلکه در کنار آن و به عنوان جزئی از حرکات عمومی خلق برای تحقق مطالبات خویش و از جمله مسئله مسکن دانسته و معتقدیم که دولت باید هر چه زودتر خواستهای دانشجویان را برآورده سازد

هر چند انتقاداتی بر آن وارد ساخت بجز انجمن اسلامی دانشجویان و ساوان جوانان و دانشجویان دمکرات که ماهیت آنها بر همگان آشکار است، همه انجمن ها و سازمانهای دانشجویی از این اقدام دانشجویان پشتیبانی کردند. سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات که بر خلاف نامش یک جریان لیبرالی است و بیش از آنکه بر مبارزه دانشجویان تا کید کند به الطاف هیئت حاکمه چشم دوخته است و همواره می کوشد تا از طریق حمله به نیروهای مترقی و انقلابی و حمایت از حاکمیت موجود از تعرضات و تهاجمات مترجمین در آمان باشد و چند صبا حی بیشتر در آتش و صلح و صفای کار خود ادامه دهد یا درست تر بگوئیم به منحرف کردن مبارزه جوانان ادامه دهد. این سازمان عمل انقلابی دانشجویان را محکوم نمود و کودنی خود را تا بدان حد رساند که حتی در محکوم کردن آن از حزب حاکم نیز جلوتر افتاد و وطنی اطلاعاتی اعلام نمود که "برخی از گروه های چپ روید نیال گروه های چپ نما، که همواره مترصدند تا از هر

بقیه از صفحه ۱
استثمار کارگران و زحمتکشان میهن ما، ساخته اند، اشغال نمودند و در این هتله ساکن شدند.

دانشجویان با قاطعیت انقلابی خویش در اشغال هتله بنشان دادن ننگه تسلیم زور نخواهند شد و اجازه نخواهند داد که همچون گذشته با آنان رفتار شود و حقوق آنان با یعمل گردد. این اقدام دانشجویان که همگامی با خلق قهرمان ایران است، بار دیگر نشان داد که حاکمیت کنونی نه تنها قدمی در جهت احقاق حقوق مردم زحمتکش برنداشته است بلکه برای تحکیم موقعیت سرمایه داران و حفظ و حراست از منافع آنان از هیچ کوششی نیز فروگذار نکرده است و تنها اقدام انقلابی خود توده ها می تواند مشکلات را حل کرده و حقوقشان را تا بین کند.

این اقدام انقلابی توده ها مورد تأیید ما و همه نیروهای مترقی و انقلابی قرار گرفت و دانشجویان با افشاگریهای خود توانستند حمایت مردم را نیز جلب کنند و حاکمیت را در موقعیتی قرار دادند که روزنامه حزب حاکم یعنی روزنامه جمهوری اسلامی برای حفظ ظاهر مجبور شد در مقاله روز شنبه ۱۲ آبان ماه به تائید این عمل دانشجویان بپردازد.

کار مسکن آزادی

همسنگی و حمایت خلق کرد از مردم بندرانزلی

مردم مبارزبانه مرکب از دانش آموزان، دکانداران و بازاریان از ۲۷ تا ۲۹ مهرماه بعنوان اعتراض به کشتار بی رحمانه مردم انزلی و صیادان دلیر این منطقه دست به اعتصاب زدند. این اعتصابات سه روزه بانه در حقیقت بیانگر همبستگی، ادبی بود که تحت شعار "انزلی نردستان پیوندتان مبارک" به تحقیق می پیوست.

پنجشنبه ۲۶ مهرماه ۵۸، ساعت ۳ عصر، یک واحد تانک سپاه پاسداران از خیابانهای شهر در جنب بازار آزاد میباد مستقر می شوند. مردم آگاه و مبارز میباد که بارها نشان داده اند مانند هرنیروی تحت ستمی، تن به تسلیم و سکون نخواهند داد، دکانداران مستند و به طرف چهارراه آزادی به حرکت در آمدند. ارتشبا مستقر در تانکها مبادرت به تیراندازی کردند و پیرزنی را زخمی نمودند. مردم خشمگین تر شده و هجوم به تانک ها آغاز شد. تانک ها مجبور شدند شهر را ترک کنند و به پادگان برگردند. در ادامه درگیری نیروهای مبارز شهر به سوی پادگان و پاسداران مبادرت به تیراندازی می کنند. غروب چند تانک مجددا

اخباری کوتاه از کردستان

به سوی نیروهای مسلح شهر هجوم آورده و از داخل پادگان پرتاب خمپاره آغاز می گردد. این درگیری در شب به اوج رسید و طبق خبرهای رسیده ۷ پاسدار و ارتشی کشته و عده ای زخمی شدند. در درگیری هسته های مسلح شهری فقط یک نفر دانش آموز سال اول نظری به شهادت رسید.

مهاباد (۲۸ مهر) به دنبال حضور فعال پیش مرگه ها در سطح شهر و دستگیری و مصادره خودروهای ارتش که در شهر حرکت می کردند و حمله به چند خودرو که منجر به کشته شدن افراد آن شد، ارتش با تانک و زره پوش به خیابانها یورش آورد که در لحظات اول پیش مرگه ها عقب نشینی کردند و نیروهای ارتش را به مرکز شهر کشاندند و در آن جا از پشت باها و کوجها، آنها را با تفنگ، نارنجک انداز و آر پی بی - جی - ۷ مورد حمله قرار دادند که در لحظات اول شش تانک ارتش و چند خودرو و مردم منهدم شد و تعداد زیادی نظامی و پاسدار که برای کشتار سرکوب خلق کرد به دستور ارتش و عوام مسلح امیرالیمم به کردستان اعزام شده اند، از پای در آمدند و یک تانک نیز توسط پیش مرگه ها مصادره شد که در خارج مهاباد پس از تخلیه

سنندج ۲۹ مهرماه
به دنبال کشتار مردم سنندج

به دست پاسداران و جانش های مفتی زاده که متجر به شهادت ۳ نفر و زخمی شدن ۷ نفر گردید. گروه "رزندگان خلق" با بمب و نارنجک به باشگاه افسران "مقر سپاه پاسداران" حمله کرده و طبق اعلامیه گروه "رزندگان خلق" ۴-۶ نفر پاسدار و جانش کشته و ۱۳ نفر از آنها زخمی شده اند. ضمن گروه رزندگان خلق پس از به عهده گرفتن ۱۸ انفجار در اعلامیه اخیر خود مسئولیت عمل نظامی دیگر را نیز به عهده گرفته اند و در انتهای اعلامیه هشدار داده اند که به تازگی جاشا و پاسداران مبادرت به انفجار خانه مبارزین شهر نمودند.

بوکان - اوضاع بوکان نیز در گسور شده است زیرا تا قبل از آن پاسداران خیلی گستاخ شده بودند و با بسیج تعدادی از مزدوران محلی (جاش) به آزار و اذیت مردم پرداخته بودند و تعدادی را دستگیر ساخته بودند. عملیات بوکان عمدتاً توسط خود مردم، مخصوصاً محصلین انجام شد که از کوجه و خیابان با نارنجک و کلت به پاسداران حمله نمودند و چندین نفر از آنها را کشته اند و دیگر آنها جرات حضور در خیابان را ندارند و در پشت سنگرهای خود پنهان شده اند.

روحیه مردم بوکان بسیار عالی است. حقانیت خلق کرد در این پیکار عامل اصلی وجود جنبش روحیه ای در میان توده هاست.

کارکنان مبارز شرکت سدکوسد ایران اموال شرکت را ملی اعلام کردند

بقیه از صفحه ۲

در آخرین ساعاتی که نشریه زیر چاپ می رفت اطلاع یافتیم کارکنان شرکت حفاری سدکوسد ایران در پی تلاش های پی گیری چند ماهه خود، برای ملی کردن شرکت، سرانجام اموال شرکت را ملی اعلام کردند.

انهادر بخشی از نامه سرکشاده خود چنین می گویند.

"ما کارکنان شرکت حفاری نفت سدکوسد ایران با وجود کلیه وعده و وعید هائی که از طرف مقامات مسئول به ما داده می شود، هنوز تکلیف ما روشن نشده و تا این لحظه عملاً برای امریکای آمریکا می کنیم. به همین دلیل ما خودمان وارد عمل شده و از تاریخ ۱۹ آبان ماه اموال شرکت را ملی اعلام می کنیم و چنانچه تا تاریخ ۲۶ آبان شرکت ملی حفاری نفت تأسیس نشود، دست از کار خواهیم کشید. کارکنان مبارز این شرکت در خاتمه از تمامی نیروهای مترقی خواسته اند تا آنان را در مبارزه شان علیه امپریالیسم امریکای حمایت کنند.

همبستگی خلق ترکمن صحرا با خلق مبارز کرد

روزی ۱۱ آبان، اجتماعی به مناسبت همبستگی با خلق قهرمان کرد به دعوت کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در دبیرستان کمینه گنبد برگزار گردید. در این اجتماع که هزاران نفر از مردم ترکمن صحرا شرکت داشتند، ضمن اعلام همبستگی با خلق کرد، اعمال و حشانه رژیم در کردستان، کشتار مردم بی گناه و همچنین ادامه جنگ غیرمعمول تمامی تبلیغاتی که جهت برقراری صلح انجام می پذیرد، محکوم کردند. ابتدا بهیامی توسط کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن قرائت گردید که در آن حمله وحشیانه و همه جانبه به خلق کرد و کشتار بی امان خلقها محکوم شده و از خواستهای ۸ ماده ای جدید خلق کرد پشتیبانی کامل به عمل آمده بود. سپس سرود هائی به زبان کردی توسط گروهی از دانشجویان پیشگام کرد دانشگاه تبریز که در این اجتماع شرکت کرده بودند، اجرا گردید و سپس پیام دانشجویان خوانده شد. در طی برنامه که به مدت ۳ ساعت به طول انجامید سرود هائی به توسط هنرمندان خلقهای ترکمن، ترک و کرد به اجرا درآمد. در ضمن اجرای برنامه جمعیت با شعار "کردستان پیرواست - ارتجاع نابود است" "کردستان قهرمان سنگر آزادگان" هنرمندان را تشویق نموده و با سرودهای جمعی احساسات خود را

نیاوریم. او در ادامه سخنان خود گفت. "شوراهای واقعی خود را تشکیل داده و آن را حمایت نمائید و روحیه جمعی را تقویت کرده و آن را پایه تحکیم حقوق به دست آمده تان بخواهید. این روحانی مبارز سخنان خود را با تاکید بر اقدام جمعی و شورایی و این که حرکات توده ها با بستنی آگاهانه باشد و پیروی هائی کورکورانه ضربات مهلکی بر پیگیر انقلاب وارد خواهد کرد، به سخنان خود خاتمه بخشید. هشتمین گردهمایی شوراهای روستائی ترکمن صحرا از این جهت که سیزده اتحادیه روستائی موجود در ترکمن صحرا از ادبیک اتحادیه سراسری متشکل ساخت، ۱۰ آرای اهمیت خاصی است. در این گردهمایی قرار بر این شده که از هر اتحادیه ۲ نماینده انتخاب گردید و نمایندگان مزبور در جلسه اتحادیه سراسری که هفته ای یک بار در ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا تشکیل خواهد شد جهت هماهنگی کارهای کشاورزی و عمرانی روستاهای منطقه تبادل نظر و تصمیم گیری نموده و کلیه فعالیتهای خود را در منطقه هماهنگ نمایند. روستائیان ترکمن صحرا با این تشکل فوق العاده و این روحیه جمعی یکپارچه و هماهنگ در جهت اهداف انقلابی و کسب حقوق و تأیید شده شان گام برداشته و تا پیروزی نهایی به مبارزات خود ادامه خواهند داد. پیروز باد اتحادیه سراسری

تشکیل اتحادیه سراسری دهقانان ترکمن صحرا گام بزرگی در جهت تقویت و استحکام شوراهای دهقانی

هشتمین کنگره شوراهای ترکمن صحرا صبح یکشنبه ۱۳ آبان ماه در گنبد برگزار شد. در این گردهمایی که به دعوت اتحادیه های دهقانی ترکمن صحرا صورت پذیرفت، پیرامون مسائل ارضی و کشت زمین هائی که از دهقانان به زور گرفته شده بود و مهمتر از آن تشکیل اتحادیه سراسری و اهمیت آن صحبت شد. گردهمایی با تشریح کشتار ۱۳ آبان در دانشگاه تهران و اعلام سکوت به مدت یک دقیقه و عرض تبریک عید قربان آغاز شد. نماینده اتحادیه دهقانی تاتار طی سخنانی اظهار داشت. "مردم ایران انقلاب کرده اند که زحمتکشانشان شهرها و روستاها را زیر بار ظلم سرمایه داران و زمین داران منقورها شوند. نباید فتودالها بار دیگر بساط ظلم و غارتگری را در روی زمین هایمان بگسترانند و خون مساکین و زحمتکشان را بکنند. این است که ما تصمیم خود را گرفته ایم، ما زمین هایمان را خودمان شخم زده و می کاریم. دیگر اجازه نخواهیم داد عده ای غارتگر و ستمگر خون هزاران شهید انقلاب شکوهمندمان را پایمال کنند. ما از دولت جمهوری اسلامی ایران انتظار نداریم که مانند رژیم شاه خائن جانسب فتودالها و غاصبان خونخوار و ضد مردمی را گرفته و دهقانان و کارگران و سایر زحمتکشانشان را ضد انقلابی بخواند."

نماینده اتحادیه تاتار اضافه کرد "کننده ترین سلاح برای نابودی ارتجاع اتحادیه و یکپارچگی ما است و به همین دلیل است که آنها همواره حمله خود را به توجیه تشکل و وحدت ماکرد می خواهند. شکان در صفوف

همگامی با نهضت مقاومت خلق کرد وظیفه هبوم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است

جنبش دمکراتیک خلقهای ایران

و مساله بلوچستان

مبارزه زحمتکشان و نیروهای مترقی بلوچ بخصوص بعد از هجوم ارتش و پاسداران به کردستان و در آستانه بحران سیاسی-اقتصادی که هرروز گروههای بیشتری از مردم را به مبارزه با سیاستهای حاکم می کشاند، گسترش بیشتری یافته است.

از زمان یورش ضدانقلابی نیروهای سرکوبگر رژیم به کردستان در تمام راهپیمایی ها و اجتماعات که در زاهدان، ایرانشهر و سایر نقاط بلوچستان صورت گرفته است خلق بلوچ در تمام قطعاته ها و شعارها، همبستگی خود را با خلق کرد و سایر خلقهای دربند میهنان اعلام کرده است. از شهرها و روستاها شعارهای "کردستان، راهت ادامه دارد"، "امروز کردستان، فردا بلوچستان"، "خلق کرد پیروز است، ارتجاع نابود است" و... به گوش می رسد.

در چند هفته گذشته تصویب اصول ارتجاعي ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ که به نوعی ستم مذهبی راجحه قانونی می دهد، توسط مجلس خبرگان و اشغال "خانه بلوچ" در زاهدان توسط پاسداران مسلح و در جریان برگزاری انتخابات فرمایشی شورای شهر، که منجر به کشته شدن وزخمی شدن تعدادی از مردم شد، موج جدیدی از اعتراض و مبارزه خلق بلوچ را به همراه آورده است.

بررسی مختصری از نیروهای سیاسی در بلوچستان

پهلوی که به پیشانی ارتجاع دهم عامل عمده سرکوب و ستم ملی به خلق بلوچ بود و در ارتباط با این مردم بلوچ با توجه به خواسته های ملی و دمکراتیک شان پس از قیام بطور طبیعی در مقابل هیئت حاکمه کنونی ایران قرار گرفتند. بیان خواسته های این گروه را تا حدی می توان در اجتماعات و مجامع دانشجویان و دانش آموزان مترقی منطقه و همینطور سازمانهای سیاسی نظیر "خانه بلوچ" مشاهده کرد. و اما نیروهای سازشکار بلوچ که امروزه به جنب و جوش افتاده اند اینها که از طریق عوامفریبی های گوناگون در شرایط کنونی، به ظاهر خواهان رفع ستم مذهبی و ملی شده اند و عمدتاً در وجه فرهنگی، مذهبی آن تاکید می ورزند، به هیچ وجه خواستار قطع نفوذ روابط ظالمانه و استثمارگرانه خانها و سردارها و زمینداران بزرگ و کلاً تمامی مظاهر ستم وارد به توده های زحمتکش بلوچ نمی باشند. از نظر آنها رفع ستم ملی به معنی آنستکه سهم بیشتری از منابع وروابط استثمارگرانه مردم بلوچ نصیب شان شود و موقعیت خود را تحکیم نمایند. در حالی که خواست خلق بلوچ رفع ستم ملی و نابودی محور کامل روابط غارتگرانه طبقاتی است که کاملاً با آنچه که نیروهای سازشکار طرح کرده اند، متفاوت است. روش سیاسی این عده به شایهت به همالکی شان در



جکونگی برگزاری

انتخابات دمکراتیک

شوراهای شهر

در ترکمن صحرا...

پنجه از صفحه ۱
در مقدمه اعلامیه مذکور شرکت فعال و موثر مردم در چنین انتخاباتی نشان دهنده رشد فکری و بلوغ سیاسی آنها از یکسو و اشتیاق و صفناپذیرشان در شرکت هر چه بیشتر در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی و تعیین سرنوشتشان از سوی دیگر، ارزیابی شده است. بیاینه با ذکر این نکته که بعد از قیام تلاشهای جهت دور نگه داشتن خلق ترکمن از اظهار نظر پیرامون سرنوشتش صورت گرفته است، تاکید می کنند که این امر نه تنها موجب نشد که توده های خلق ترکمن "میدان مبارزه و حقوق طلبی را خالی کنند بلکه آنها همواره و در هر زمینه ای خواستار ایجاد و تثبیت آزادی های دمکراتیک و شرکت در تصمیم گیری ها و تعیین سرنوشتشان شدند اعلامیه متذکر می شود که

"مردم ترکمن به دودلی بی اساسی به طور فعال و موثر در انتخابات شرکت کردند. اول اینکه مسئله شور و اهتزاز آن در زندگی سیاسی و اجتماعی مردم از اهمیت خاصی برخوردار بود، دوم این نکته که اکثریت غیر قابل انکار آنها در جلسات انتخاب هیئت نظارت مورد سوال قرار گرفته بود، ... کاندیدای مردم ترکمن بنا به دست آوردن بیشترین آرا، بنا اختلاف فاحش نسبت به سایر کاندیدها پیروز شدند. یعنی اعضای شورای شهر فقط از میان ترکمن هاتمین شد. بیاینه به این واقعیت که مردم شهر گنبد از اکثریت ترکمن و اقلیت فارس و ترک تشکیل شده اند اشاره می کند و تاکید می کند که هیچ کدام از اکثریت با اقلیت هائی نتوانند به تنهایی شورایی شهر را در گنبد و در انحصار داشتن شورای سوسی هر کدام موجب ضایع شدن حقوق دیگران است.

مرکز هماهنگی شوراهای محلی بخش ترکمن نشین گنبد یادرنظر گرفتن اصول دمکراسی و با احترام به حقوق اقلیت و نیز با توجه به این حقیقت که تشکیل شورای شهر بطوریکه جنبه و بدون شرکت نمایندگان اقلیت عمده این شورا به بن بست کشیده خواهد شد بعد از بحث و تبادل نظر به این نتیجه رسیدند که با توجه به نسبت جمعیت سه نفر از کاندیداهای خود را مستعفی اعلام کرده و به جای آنها سه نفر از کاندیداهای اقلیت را با در نظر گرفتن نسبت آرا به دست آمده برای همکاری دعوت نمایند و عمل این کار را انجام می دهند.

اعلامیه در پایان می افزاید که "پذیرش چنین ائتلافی از طرف مادقیقاً بیان کننده درک ما به اهمیت برخورد دمکراتیک در رابطه با حل مسائل شهری و احترام به حقوق همه زحمتکشان است.

برای سرکوب خواستهای خلق بلوچ است، هدف دیگری خواهد داشت؟
مردم بلوچستان یعنی کارگران دهقانان و سایر زحمتکشان این منطقه از آنجا که طی سالهای متعادی تحت استثمار و حشانه

حاکمیت سرمایه داری وابسته و زمینداران بزرگ قرار داشته اند و از طریق خانها و باقیای فئودالیهای منطقه این سیاست اعمال گشته است، با اعتقاد به نابودی کامل کلیه روابط ظالمانه حاکم ستم سرنوشت خود، به مبارزات گسترده همراه با کلیه خلقهای ستمدیده میهنان در جهت قطع ستم ملی و استثمار و حشانه طبقاتی ادامه خواهند داد.

طبی اعتراضات و راهپیمایی هائی که در ماه های اخیر از طرف مردم بلوچ صورت گرفته است خواستهایشان را مطرح نموده اند که نادریز بخشی از آن را می آوریم.

۱- کلیه امتیازات اقتصادی اجتماعی خانها و سردارها سلب شود و زمینهای زراعی و امکانات دیگر آنها در اختیار شورای منتخب روستائیان گذارده شود و تمام روابط اجتماعی پوسیده گذشته که باعث ادامه استثمار گذشته زحمتکشان بلوچ است برچیده شود.

۲- پایان دادن به هرگونه اعمال زور و سرکوب خلقهای کرد، عرب، ترکمن و بلوچ.

۳- تامین حقوق مساوی برای کلیه خلق های سراسر ایران در جهت برقراری آزادی های دمکراتیک.

۴- برچیدن بساط پاسداران تعیین شده از طرف هیات حاکمه و کارگران آن و گماردن انفراد انتخابی از طرف زحمتکشان بلوچ در جهت حفظ امنیت و آرامش منطقه و بازداشت و محاکمه تمام عوامل ضد مردمی در منطقه که به دامن زدن تضادهای درونی مردم بلوچ دامن می زنند.

سرکوبگرانه آنها تا به امروز همچنان به خشم مردم دامن زده است. بسیاری از افراد ضد مردمی و وابستگان رژیم سابق در ادارات دولتی و ارتش به کار خود مشغولند. از جمله سرگرد ضیائی فرمانده فکلی هنگ ایرانشهر که نتنها در

تشکیل گروه به اصطلاح سیاسی خانها یعنی همان گروه نجات بلوچستان همکاری داشته بلکه خوانین و سردارها را نیز تاندان مسلح کرده است و در واقع سیاست تیسار ظهیر نژاد در کردستان را دنبال نموده است. سیاست ارتجاعي و ضد خلقی دیگری که در منطقه اعمال شده، دامن زدن به تضاد بین مردم بلوچ با بیانیهای و فارسها (به علت اختلاف شیعه و سنی) در منطقه است. هیات حاکمه سعی دارد با بهره گیری از این قبیل تضادها، مانند نقده و گنبد از غیر بلوچها نیروی در مقابل رشد مبارزه خلق بلوچ به وجود بیاورد.

نمونه ای از سیاست حمایت هیات حاکمه از خانها و استثمارگران بلوچستان می توان در عفو محمدخان میرلاشاری، که یکی از خوانین به نام بلوچستان است مشاهده کرد. توجیه عفو محمد میرلاشاری اعلام شد.

"با توجه به تعهد امضا کنندگان آن ناحیه به محمد خان میرلاشاری که در رابطه با این حادثه دستگیر و با متواری شده اند، تا مین داده می شود که به مراکز خود بازگشته و یادگیری در سایه حکومت جمهوری اسلامی به وظایف خویش عمل کنند"

(نقل از روزنامه اطلاعات)

درواقع زیر سایه حکومت جمهوری اسلامی استثمارگرانی از قماش میرلاشاری به انجام وظایف دعوت می شوند. اما آیا با توجه به ماهیت این خوانین و وظایف آنان تاکنون جز سرکوب و یا اعمال کردن حقوق زحمتکشان چیز دیگری بوده است؟ آیا این سیاست ها که همانا وحدت ما مرجع ترین قشر منطقه

حق تعیین سرنوشت خلقها ضامن وحدت و یکپارچگی است

گزارشی از اعتصاب فاسترویلر-تهران جنوب وابسته به صنایع فولاد اهاوز- (قسمت دوم)

اعتصاب، تظاهرات و راهپیمائی کارگران مبارز و متحد فاسترویلر علیه «شورای فرمایشی کارفرما»

در شماره قبل علل و چگونگی آغاز اعتراضات و اعتصاب کارگران مبارز فاسترویلر به خاطر گرفتن خواستههای برحق خود علیه شورای فرمایشی کارخانه شرح داده شد. در این شماره خواهیم دید که چگونه کارگران آگاه و مبارز فاسترویلر موفق شدند توطئه چینی ها و حرکات ضد کارگری کارفرمایان و عوامل آنان را خنثی کرده و مبارزه سرسختانه خود را علیه دشمنان طبقاتی خویش دنبال کنند.

نشان می دادند که اتحاد واقعی خود را به دست آورده اند و به هیچ وجه حاضر به از دست دادن آن نیستند. در همین رابطه یکی از نمایندگان می گفت:

"دوستان کارگر، حدود ۸۰۰ تن از کارگران فولاد بندر عباس را قصد دارند به اینجا بفرستند و ما را به عنوان جهاد سازندگی و کاردان شرکت های دیگری برانگیزند. و با اگر نتوانستند، اخراج نمایند. آنها از اتحاد و یکپارچگی ما هراس دارند. اتحاد ما در این مدت پشت دشمنان ما را زانده و دست به همین خاطر است که آنها سعی دارند با اعلام کردن جهاد سازندگی، اتحادی را که ما در ضمن سالها مبارزه به دست آورده ایم از هم بپاشند و الا اگر غیر از این بود چرا همان هشتصد نفر را به جهاد سازندگی نفرستند؟ چرا از دو میلیون کارگر بکسار استفاده نکنند؟"

در این میان کارگران آگاهی که به وسیله فاعلی و شرکت تحریر شده بود بلند شو گفت: "آقایان همه ما مسلمانیم. اما این آقا که کویست است نیست می خواهد..."

حرفش تمام نکرده بود که سبیل فحش و تازا همراه با الفاظی نظیر "گمشو، بنشین و خفه شو" بر سرش خراب شد. او که برای ایجاد دودستگی و تفرقه در میان کارگران تحریر شده بود بعد از آنکه با این حرکات مواجه شد ترسان و مضموم سر جایش نشست. بعد از آنکه جلسه آرام شد، کارگری بلند شد و گفت:

"برادران، همه ما کارگر و همه مسلمانیم. اگر هم کسی در بین ما باشد که مسلمان نباشد به کسی مربوط نیست. ما در اینجا جمع شده ایم که از حقوق فحش شدهمان دفاع کنیم. کاری هم به دین کسی نداریم. به هر حال آنچه که من می خواهم به آن اشاره کنم این است که در بین ما کارگران کسانی هستند که سالها مبارزه کرده اند و به زندان رفته اند. طبیعی است که آنها با بیشتر از ما مسائل آشنا هستند. ما کارگران که صبح تا شب با پتک و چکش کار می کنیم مسلمانا سوادمان زیاد نیست. بنابراین برای اینکه بتوانیم از حقوقمان دفاع کنیم لازم است که چیزی یاد بگیریم. سپس یکی از کارگران با اشاره به ماهیت ضد کارگری "لا یخمنو" که اعتصاب را برای کارگران منوع می شمارد و برای اعتصابیون سه تا سه سال زندان در نظر گرفته است گفت:

"چه کسانی باعث اعتصاب و کم کاری می شوند؟ چرا کارگران اعتصاب می کنند؟ وقتی به خواست کارگران بی توجهی می کنند، حقوقش را نمی دهند و هرگونه حرکت اعتراضی ما را توسط عده ای دست نشانده سرکوب می کنند. طبیعی است که کارگر هم مجبور است با دست از کار کشیدن، حقوق خود را از کارفرما بگیرد."

شبه ۷ مهر ۵۸ برای همه کارگران روشن بود که کارفرما دست نشانده اش که ادامه اعتصاب کارگران را به زیمان خود می دهد، دست از توطئه برنخواهند داشت. عوامل نیروی ویژه و نمایندگان دست نشانده که با جلسات در روز جمعه توطئه

بقیه در صفحه ۷

ارتجایی و... در این راهپیمائی سرود "ما با هم متحد می شویم" هم از جنب کارگران خوانده شد. مرتجعین با تحریک عده ای عناصر فریب خورده و جماعتی به دست سعی کردند این راهپیمائی را به هم بزنند ولی موفق نشدند. چهارشنبه ۴ مهر ۵۸

به دنبال ضد انقلابی نامیدن کارگران از سوی طالقانی خود فروشی بر اه افتادن دسته ای از کارگران ناگاه به رهبری عوامل نیروی ویژه و نمایندگان دست نشانده شوراهای هم به خواسته های برحقشان دست نیافته بودند. برای چندمین بار در مقابل کارگری اجتماع نموده و ضمن محکوم نمودن خائنانه شناخته شده چون "دفاعی، ابدی، پرور با پای ملی" که از طراحان اصلی این توطئه برادر کشانه بودند خواستار حضور مجدد طالقانی، محاکمه وی و دریافت پاسخ قطعی شدند. آنچه که در این روزها همان آغاز جلسه به وضوح دیده می شد، تشکیل سازمان بافتگی کارگران بود. این چند روز اعتصاب مسائل فراوانی را به کارگران آموخته بود. مسائلی که به جرات می توان گفت

می بندیم که اتحاد فولادین خود را تار سیدن به خواسته های به حقمان از دست نداده و تا آخرین قطره خون خود در مقابل توطئه های مزدوران کارفرما و دیگر مسئولین پایداری خواهیم کرد.

طالقانی مزدور رئیس کارخانه که در همین اثنا توسط فشار کارگران به جلسه آمد، رو به کارگران نموده و پرسید: "آیا شما با این قطعنامه موافق هستید؟" کارگران که انتظار چنین سؤال توطئه آمیزی را نداشتند یکپارچه و شورانگیز فریاد زدند "بله، بله، بله" و طالقانی گفت "خوب، حالا که شما این قطعنامه را قبول دارید، من این است که شما را قبول ندارم. و از آنجا که این توافقنامه با تصویب شورایی شده، بنابراین این از نظر شما اعتبار است."

او با گفتن این جملات سرش را پایین انداخته و سعی داشت از جلسه خارج شود که کارگران جلو او را گرفتند. پس از فراغت این توافقنامه کارگران شدیداً به آن اعتراض نموده و ضمن محکوم نمودن طالقانی و نماینده های

او اضافه نمود: "سرمایه داران همیشه برای استثمار بیشتر کارگران و بردن سود بیشتر، خواسته های کارگران رو غیر قانونی میدانند. و اگر زمانی هم کارگران بوفق شدند حقوقی رو از چنگالشان بیرون بکشند، اونوقت حقوق رو ازورونه جلوه داده و با گذاشتن کتک به جای حق، سر کارگر منت میدارند... ما می گوئیم حق مسکن، آب، آبهای گویند کسک هزینه مسکن..."

سخنرانی نماینده از آنجا که بروا قیام قابل لمس و روزمره تکیه داشت، در روحیه کارگران تأثیر عمیق به جای گذاشت. دقت به سابقه کارگران، توجه آنها نسبت به مسائلی که مطرح می شد نشان از اشتیاق کارگران برای درک تضادها توطئه ها و حیل های کارفرمایان بود. در این لحظه که خواسته های کارگران نسبتاً شکل یافته و مشخص گردیده بود، قطعنامه ای چهار ماده ای به شرح زیر از سوی کارگران خوانده شد.

متن قطعنامه کارگران بهمانی حرکت فاسترویلر تهران جنوب ۳ مهر ۵۸

نمایند کارگران فاسترویلر به کارگران این کارخانه:

نمایندگان کارفرما می گویند، خواسته های ما کارگران یعنی اضافه حقوق، حق مسکن، عائله مندی و حق خواربار غیر قانونی است! می دانید چرا؟ چون این خصلت سرمایه داری است که برای کارگر هیچ حقی قائل نیست. این قانون سرمایه داری است که حقوق کارگر را غیر قانونی می داند.

۱- ما خواستار برکناری بعضی از اعضاء شورای مرکزی فعلی و برگزاری انتخابات مجدد برای یک شورای مستقل و واقعی هستیم.

۲- ما خواستار رسیدگی فوری به کلیه خواسته های برحق و قانونی خود که تاکنون بی توجهی مسئولین امر مواجه بوده و خواسته های ما کارگران را غیر قانونی خوانده اند، بوده و دیگر هیچگونه صبر و انتظاری به هیچ قدرت غیر مسئول نخواهیم داد.

۳- ما خواستار انحلال نیروی شیطانی ویژه "کارگران" و نمایندگان مبارز و آگاه را تهدید و تعقیب و مضروب می سازند هستیم.

۴- ما در اینجا پییمان

نمایند کارگران کارفرما می گویند، خواسته های ما کارگران یعنی اضافه حقوق، حق مسکن، عائله مندی و حق خواربار غیر قانونی است! می دانید چرا؟ چون این خصلت سرمایه داری است که برای کارگر هیچ حقی قائل نیست. این قانون سرمایه داری است که حقوق کارگر را غیر قانونی می داند.

ترسیده، شورا خواستار لغو آن گردیدند. تشنجی که بر اثر این عمل خائفانه در میان کارگران به وجود آمد، با پخش اطلاعیه ای از جانب اشعری مزدور مبنی بر لغو تعطیل پنجشنبه ها در چندین کارگران خشمگین و پر خروش دست به راهپیمائی زده و به طرف ساختمان مرکزی شرکت دست به راهپیمائی زده و به طرف ساختمان مرکزی شرکت (به طبقه) به راه افتادند. آنها به صورت صفی منظم و فشرده با تکان دادن مشت های گره کرده خویش فریاد می زدند:

"نیروی ویژه نابود باید کرد، شورای انقلابی ایجاد باید کرد" پنجشنبه تعطیل باید گردد. اشعری مزدور اخراج باید کرد. "مرگ بر سرمایه دار، عامل

دلیل من توافقنامه است که دیروز نوشته شد، بعضی از نمایندگان شورا مرکزی منتقل کردن جلسه به پشت درهای بسته قصد سرپوش گذاشتن روی خواسته های اصلی ما را دارند.

دلیل من توافقنامه است که دیروز نوشته شد، بعضی از نمایندگان شورا مرکزی منتقل کردن جلسه به پشت درهای بسته قصد سرپوش گذاشتن روی خواسته های اصلی ما را دارند.

دلیل من توافقنامه است که دیروز نوشته شد، بعضی از نمایندگان شورا مرکزی منتقل کردن جلسه به پشت درهای بسته قصد سرپوش گذاشتن روی خواسته های اصلی ما را دارند.

دلیل من توافقنامه است که دیروز نوشته شد، بعضی از نمایندگان شورا مرکزی منتقل کردن جلسه به پشت درهای بسته قصد سرپوش گذاشتن روی خواسته های اصلی ما را دارند.

دلیل من توافقنامه است که دیروز نوشته شد، بعضی از نمایندگان شورا مرکزی منتقل کردن جلسه به پشت درهای بسته قصد سرپوش گذاشتن روی خواسته های اصلی ما را دارند.

دلیل من توافقنامه است که دیروز نوشته شد، بعضی از نمایندگان شورا مرکزی منتقل کردن جلسه به پشت درهای بسته قصد سرپوش گذاشتن روی خواسته های اصلی ما را دارند.

دلیل من توافقنامه است که دیروز نوشته شد، بعضی از نمایندگان شورا مرکزی منتقل کردن جلسه به پشت درهای بسته قصد سرپوش گذاشتن روی خواسته های اصلی ما را دارند.

دلیل من توافقنامه است که دیروز نوشته شد، بعضی از نمایندگان شورا مرکزی منتقل کردن جلسه به پشت درهای بسته قصد سرپوش گذاشتن روی خواسته های اصلی ما را دارند.

۴۸ ساعت کار طاقت فرسا در کارخانه ها باید به ۴ ساعت تقلیل یابد

اعتصاب، تظاهرات و راهپیمائی

کارگران مبارز و متحد ...

بقیه از صفحه ۶

شومی را علیه کارگران تدارک دیده بودند، از همان اولین ساعات با مدار روز شنبه توطئه راه اجبراً درآوردند. حدود ساعت ۸/۳۰ صبح تعدادی از این محل با حمل کردن تظاهراتی از آیت الله خمینی و آیت الله طالقانی و فریب کارگران ساده لوح دست بر راهپیمائی زدند. در همین زمان اعلامیه ای بین کارگران توزیع گردید که از آنان دعوت می نمود تا در مقابل نمازخانه قسمت "گورف" تجمع کرده و به سخنرانی گوش دهند. (اعلامیه با مضامین مشکوک کارگران مسلمان وحدت طلب فاستروپلیس بود. نزدیک به ۱۵۰ نفر کارگر مقابل کارگری جمع شده بودند. معطفی پور (مشول شورای مرکزی) تعدادی از کارگران را در خود جمع نموده و در جواب کارگری که به دودستی میان کارگران اعتراض می نمود چنین می گفت:

"تجمع روزهای گذشته به زبان ماکارگران بوده و در مورد خواسته هاهم حرفی گفته نشد فقط تعدادی فرصت طلب با استفاده از شو و تبلیغ مکتب خودشان کرده اند یکی از کارگران می گفت:

"دیشب و دیروز نمایندگان کارفرما جلساتی باهم داشتند تا شکل مبارزه باهم بزنند و اعتصاب را به نفع شرکت تمام کنند و بعد هم با چند خواسته جزئی ما موافقت بکنند و از تصفیه نمایندگان فراموشی شورا جلوگیری به عمل بیاورند ..."

کارگر که به رهبری "نیروی ویژه" تظاهرات آیت الله خمینی و طالقانی را در دست داشتند، به طرف کارگری آمد و شعار می دادند "تا خون در روگ ماست، خمینی رهبر ماست" و "شورای اسلامی مسورد تا شد ماست" سپس به سوی قسمت "گورف" به راه افتادند. در آنجا جلسه با ذکر آیاتی از قرآن و نهج البلاغه آغاز شد. در این میان حضور نمایندگان وابسته به کارفرما و خود فروشی به عنوان گردانندگان اصلی این نمایش خوبی احساس می شد و هر چه از آغاز جلسه می گذشت کارگران آرام آرام بی می بردند که منظور از ... راه انداختن این نمایش حمله به کارگران مبارز و دفاع از منافع کارفرما و دعوت مجدد کارگران به مسیر انقلابی است. ... در کلیه جلسات کارگران نقشی جز تفرقه اندازی و سمپاشی نداشت، بالا رفته و گفت: "هرکس از دولت اقتصاد کند نوکر امپریالیسم و دشمن امام است" و سپس اضافه نمود:

"این دولت انقلابی نیست و ما هم از خواسته هایشان دست نخواهیم کشید. البته در چارچوب جمهوری اسلامی ...؟" حرفهای ضد و نقیض این مزدور کارگران را به کلی گیج و متحیر نمود. یکی از کارگران گفت:

"مانعی دانیم قسم حضرت عباس را قبول کنیم یا دم خروس را؟ این آقایان مصلحت طلبند"

طرفدار کجاست؟ بطوریکه معلوم است می خواهد هم از دیگر بخورد هم از ته دیگر.

دوشنبه ۹ مهر ۵۸ به دنبال راهپیمائی کذائی که در روز شنبه برای پایمال ساختن حقوق کارگران و ایجاد زمینه تفرقه و جدائی در صفوف متشکل آنها از جانب عروسکهای باز چپه دست کارفرما به راه افتاد و همچنین به خاطر رفتن ۵ تن از نمایندگان به سرپرستی "دفاعی" مزدور به تهران که بهانه آن ظاهر امدادگرها با مقامات دولتی بود، اعتراضات خشمگین کارگران بالا گرفت.

کارگران می خواستند بدانند چه کسانی راهپیمائی دیروز را راه انداختند، چه کسانی آن قطعنامه کذائی و ضد کارگری را طرح و تکثیر نموده و چه کسانی به نمایندگان خود فروشی که طی چند روز گذشته از جانب همه کارگران خلق بند شده بودند، اجازه رفتن به تهران و مذاکره در مورد کارگران را داده بودند.

کارگری می گفت: "اگر این آقایان می گویند وریگی هم به کشتن نیست چرا با این همه اعتراض ما از شورا کثرتی کشند؟ ما صدارت گفتیم آقایان شما را نمی خواهیم. اما کار از روی روند راستش آدم به فکری افتد که اگر واقعا حساسی در کار نباشد و ستمی به این آقایان نرسد، چگونه ممکن است که آنها اینطور به شورا و مقامات مشان چسبیده اند؟"

اعتراض کارگران نسبت به این توطئه های کارفرما پندار منجر شده که برای چندمین بار نمایندگان برکنار شده و شورا منحل اعلام شود. کارگران می گفتند که نتیجه مذاکراتی را که این نمایندگان کارفرما می رفتند کارگری برای ما بیاورند، از حسنایا تکلیفش روشن است. ما به هیچ وجه آنرا قبول نداریم. آنها با ما می گفتند تنها مذاکره ای قابل قبول است که یک طرف آن را نماینده واقعی کارگران تشکیل دهد. و تصمیماتی که در غیر این صورت و در پشت درهای بسته اتخاذ می شود به هیچ وجه قابل قبول نیست. با گسترده شدن دامنه اعتراضات مسئله تعطیل مجدد پنجمین راهپیمائی ها و ایجاد هشت ساعت کار در روز دوباره مطرح گردید. و کارگران روی آن شروع به بحث نمودند و بالاخره جلسه با شعار "پنجمین تعطیل باید گردد" پایان یافت.

اعتصاب همراه با تظاهرات و راهپیمائی کارگران مبارز فاستر و پلر همچنان ادامه دارد.

پهروز با مبارزات حق طلبانه کارگران هر چه مستحکمتر با اتحاد دشمن براننداز کارگزاران ناپود با دست شوم و توطئه گرجا سوسان خود فروشان و دست نشانندگان کارفرما

همانگونه که سازمان مائیس بینی کرده بود مصوبات مجلس به اصطلاح خبرگان ...

بقیه از صفحه ۱

رخه شده بود. این همان کاری است که خبرگان در حال انجام آن هستند. با توجه به نحوه تشکیل و شرایط انتصابات و شروع کار خبرگان تاکنون بدستی صحت پیش بینی های مادر مورد مجلس خبرگان مشخص میشود. ما از همان بدو انتصابات نظر خود را درباره مجلس خبرگان و قوانینی که از این مجلس می گذرد، قوانینی که بسیار ارتجاعی تر از طرح پیش نویس آن است، ابراز داشته و همچنین همه آنها را بی اعتبار اعلام کرده ایم.

واقعیتها بدستی پیش بینی مان را به اثبات رسانده است و ما اکنون در باره این خبرگان و مصوبات قانونی ارتجاعی آنها چیزی نگفته نداریم اما با این وصف خود را موظف میدانیم

کند طبیعتا توده های بیشتری از مردم را متوجه ساخته و اثر تهییجی و انعکاسی قابل ملاحظه ای دارد. آنها میدانند که هر راهپیمائی مشخص مبتنی بر خواست برحق کارگران و زحمتکشان بود و پیکار تحت فشار، یک گام تود به حقوق خود است. آنها می دانند که هر راهپیمائی مشخص ارتجاعی هیئت حاکمه و مدعو عید آنها را افشا خواهد ساخت. آنها با به خواسته ها و منافع و نقش خود بیش از هر چیز از آزادی برای دیگران و تکیه بر تحجرات راهپیمائی های نیروهای مترقی و انقلابی هراس دارند. مگر نه این است که آنها خود را با احتیاطات و راهپیمائی هر مبارز مکرر در مرکز ترتیب داده و بدین

شدن این اصول در مجلس "خبرگان" تاکیدی کرد. سازمان ما با توجه به ماهیت ارتجاعی هیئت حاکمه، جایگزینی مجلس "خبرگان" به جای مجلس مونسان و نحوه غیر دموکراتیک برگزاری انتصابات، ترکیب نمایندگان و آنها را که تا آن زمان از این دولت انتظار اصلاحات و تصمیم گیری های انقلابی داشتند از پیش واقف نموده و اعلام کرده بود.

"اصولی که در آینده به تصویب مجلس به اصطلاح خبرگان می رسد قطعا ارتجاعی تر و ضد مردمی تر از قوانینی خواهد بود که امروز به عنوان پیش نویس قانون اساسی انتشار یافته است."

پایان نیافته است که مردم میهن مادر یافته اند همانطور که پیش بینی کرده بودیم، این قوانین تاجه اندازه ارتجاعی شده

حالا دیگر برای هر کسی روشن شده است تمام این قوانین و اصول ارتجاعی که امروز به عنوان قانون اساسی در مجلس خبرگان طرح و تصویب می شوند نتها ارتجاعی تر از آن است که قبلا در پیش نویس قانون اساسی پیش بینی شده بود، بلکه از ابتدائی ترین خواسته های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خلقهای قهرمان ما هیچ انعکاسی در آن مشهود نیست. دیگر همه می دانند که این قوانین نمی توانند، قانون اساسی کشوری باشند که مردم آن در برابر از شدت داده و انقلاب کرده است.

اما با توجه به فضای حاکم بر مجلس خبرگان و ماهیت ارتجاعی اکثر نمایندگان، آنچه که از این پس نیز در این مجلس به تصویب برسد، دیگر برای مردم مبارز میهن ما دور از انتظار نیست. چرا که حالا دیگر حتی ناگاه ترین افراد جامعه نیز ماهیت این مجلس و این مجلسیان را شناخته اند و می دانند که دیگر قوانین تاجه دموکراتیک آنها را پایمال خواهد کرد.

حقیقت این است که مجلس خبرگان چنان از نفس افتاده است که دیگر موردی برای افشای آن باقی نمانده است.

مجلس خبرگان برای تحقق آن و رسمیت دادن و اعتبار قاننه به بخشیدن به اعمال ضد دموکراتیک در یکتا تورما بانه، ساخته و پرداخته شده است. بدین ترتیب آنچه که در عمل شکل داده شده بود در این مجلس میباید سندیت قانونی پیدا کند. اما چرا اصل مربوط به تشکیل اجتماعات و راهپیمائی ها به تصویب نرسید؟ بنظر می رسد که خبرگان محترم در حفظ منافع خود چندان ناگاه نباشند. آنها خوبی میدانند هر اجتماع، هر میتینگ و هر راهپیمائی ای که مشخصا خواسته ها و مطالبات توده های زحمتکش را بر

امروز دیگر بر مردم انقلابی ایران مشخص شده که آنچه در این مجلس می گذرد هیچ ارتباطی با روح انقلاب ایران ندارد

علیرغم چنین شناختی از خبرگان، جهت شناسیدن بار هم بیشتر ما ماهیت مرتجعینی که بر کسی های نمایندگان نگه رده اند، گوشه های از شکردهای ضد دموکراتیک و ارتجاعی این مجلس را مگامان افشا کنیم.

ما به عنوان نمونه یک چشمه از کار خبرگان یعنی اصل ۳۱ مربوط به تشکیل اجتماعات و راهپیمائی هارا در این مختصر مورد بررسی قرار میدهم. چگونه بر خورد خبرگان محترم در این مورد خود به تنهایی مبین گفته های فوق الذکر است طبق نوشته روزنامه ها

در اطراف اصل ۳۱ بحثهای زیادی در گرفت ولی نهایتا برای تصویب بدست نیارود. بهینم این اصل چه بود و برای چه می آورد مطابق این اصل تشکیل اجتماعات و راهپیمائی بشرط آنکه بر ضد اسلام و امنیت نباشد آزاد است و مقررات مربوط به نظم راهپیمائی و اجتماع در خیابانها و میدانها دین عمومی به موجب قانون تعیین می شود. یعنی مفهوم این اصل چنانچه تصویب هم کرده، قانونی کردن همان وضعیتی است که اکنون وجود دارد. اگر بنا بر واقعیت چندین ماهه مبارزات توده های مردم پس از قیام تاکنون نظری به فکرم، یعنی واقعی تصویب حاکمه عوامل آن با تظاهرات و راهپیمائی های مردم مشاهده می کنیم، میتینگ های دانشگاهها در چند ماهه اخیر، تظاهرات و راهپیمائی در دفاع از آزادی، مطبوعات، عدم تضمین دولت به شاعران و نویسندگان در برگزاری شب شعر زمین چمن دانشگاه تهران ... هر اجتماع و راهپیمائی همواره توسط گروههای فشار متشکل از اوپاش و غیره که از پشت پرده هدایت و رهبری میشد، مورد ضرب و شتم قرار می گرفت. آنچه که با توطئه چینی به منظور منحصردن تمامی دستاوردهای انقلاب به پانته های تظاهرات انقلابی در عمل به تحقق پیوست، طبیعتا در نظر بایستی به نسبت رسیده چهارمیخ کرد.

سرکوبگران خلق کرد، دشمن همه خلقهای ایران هستند

توطئه‌ای که علیه یکی از اعضاء سازمان چریکهای فدائی خلق ایران طراحی شده بود

طبقه‌کارگرواين دشمنان واقعی سرمایه‌داری و حکومت سرمایه‌داران و دیگر انقلابیون راستین در مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک خلق تحت حمایت و نظارت سازمان بافته‌ار تخاص قشری سزتابه‌داری داخلی و امپریالیسم جهانی فعالانه آغاز یکنار کرده‌است. یک روز در زمان ندران، فدائی شهید، معلم زحمتکش و نداد ایمانی را دشمن می‌زنند و یکروز در کولوله‌می‌بندند، میرشکاری هارابه‌کولوله‌می‌بندند، یک روز در کرمانشاه گرجی بهائی‌ها را توطئه‌گرا نه شهید می‌سازند و امروز طرح خود را برای شکار کردن و سر به نیست کردن دیگر انقلابیون راه آزادی طبقه‌کارگر به اجرامی‌گذارند اما در این میان توطئه‌ای که برای ربودن بیژن نویری، شکنجه و قتل وی تدارک دیده شده بود، از تمام نمونه‌های دیگر متمایز است. این بار این کل دستگاہ دولتی است که دقیقاً به شیوه رژیم شاه تمام اجزایش بکار گرفته می‌شود تا یک انقلابی را به سر و صد اشکار کند و زیر شکنجه به شهادت رساند. سپاه پاسداران، کمیته‌ها، خبرگزاری پارس، تاسیسات امنیتی مخفی تهران، مطبوعات وابسته رژیم همگی تحت نظارت هیئت حاکمه بکار گرفته شدند تا از اجرای طرح شکار گرفته تا اقرار گرفتن زوی، تا اعلام خبر جعلی و مضحک ربه‌شدن توسط مدکرگها، تا تحقظ و نگاه‌داری وی در مخفیگاه تهران در حوالی پارک شهر همه‌نشان میدهند که همان دستگاہ ویژه جنایت سازمان یافته و ماسخین کره که ساواک نام داشت از نواحی شده است و تمام خبریهات آنرا هم در آد مکتبی و جلادی بکار بسته‌است سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نظر به اهمیت مسئله و عواقبی که سکوت در برابر این جنایت است سازمان یافته و احیاء ساواک در برنوشته مردم ستمدیده مبین ما دار و وظیفه خود میدانند که پیگیرانه نقشه‌های پنهانی این توطئه‌گرانه سازمان یافته رژیم را افشا کنند و در این راه سازمان ما از تمام نیروهای مبارز انقلابی، از همه عناصر آزاد بخواه و مترقی، از تمام سازمانهای سیاسی پیشرو می‌خواهد که در برابر شکل‌گیری این دستگاہهای مخوف و مردم‌کش به اعتراض برخیزند.

با یذ جزئیات این طرح توطئه‌گرا نه و پلیس و مسئولین، طراحان و فرماندهان آن به مردم ایران معرفی شوند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بدین وسیله اعلام می‌دارد آماده‌است تا با ارائه تمام شواهد و مدارک در حضور خبرنگاران، نمایندگان سازمانهای سیاسی و حقوقی هر نوع اطلاع‌دیگری را که برای افشای جزئیات این توطئه ضروری باشد، در اختیار هم‌میهنان قرار دهد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۲۹ بانامه ۵۸

در حالیکه رفیق مادر جنگ پاسداران اسیر بود و در مخفیگاهی نزدیک پارک شهر تهران زندانی شده بود، رژیم حاکم با استفاده از شیوه‌های قبلی ساواک اعلام کرد او را در مکرانها در راه بوکان ربوده‌اند!

وجه نقشه جنایتکارانه‌ای برای او کشیده‌اند. آیا جز اینکه قصد داشتند رفیق را زیر شکنجه شهید سازند؟ و چنانچه هشباری رفیق اورا یاری نمی‌کرد چه بسا تاکنون این جنایت مرتجعین جامعه عمل پوشیده بود. دولت موظف است موضع خود را و نقش خود را در انجام این توطئه ناموفق توضیح دهد. مسئولین این جنایت کثیف باید به مردم معرفی و مجازات شود. دولت باید توضیح

● باید جزئیات این طرح توطئه‌گرا نه و پلیس و مجریان و مسئولین، طراحان و فرماندهان آن به مردم ایران معرفی شوند.

دهد چرا و به چه منظور چنین دروغی را انتشار داده‌است. ما از قبیل میدانیم که هیئت حاکمه چون خود بهتر از مسئولین و طراحان این توطئه را می‌شناسد برای هیچکدام از سوالات جوابی ندارد.

ما با افشای اسرار این توطئه کثیف به پیشگاه مردم مبارز ایران و تمام نیروهای آزاد بخواه و مترقی جهان علیه غافلین و طراحان این توطئه اعلام جرم می‌کنیم. باید یک‌یک عاملین این نقشه‌های شوم که ساواک جدید با همان شیوه‌ها و شکردهای جلادی ساواک آنسرا

● توطئه‌ای که برای ربودن بیژن نویری، شکنجه و قتل وی تدارک دیده شده بود، از تمام نمونه‌های دیگر متمایز است. این بار این کل دستگاہ دولتی است که دقیقاً به شیوه رژیم شاه تمام اجزایش به کار گرفته می‌شود تا یک انقلابی را به سر و صد اشکار کند و زیر شکنجه به شهادت برساند.

تشکیل داده‌اند به محاکمه و مجازات کشیده شوند. باید معلوم شود به دستور چه کسی دروغ فرار بیژن نویری را در راه بوکان در حالیکه او هنوز زنده‌است و در تهران در یک مخفیگاه رژیم زندانی است به خبرگزاری پارس داده‌است؟ حمید سلیمی به دستور کدام مقام مسئول یا تهیه‌دا سلحرف رفیق را در تبریز شکار کرده‌است؟ دلیل انتقال او به رومیه و بازگرداندن او به تهران چه بوده‌است؟ چرا خواته‌اش اند هیچکس از ربه‌دن و بازداشت وی مطلع نشود؟ چرا بدون برگ‌بازداشت و هرگونه حکم رسمی رفیق را بازداشت می‌کنند؟ چرا رفیق را در تهران تحویل زندانیان رسمی نمی‌دهند و در زیر زمین پنهان می‌کنند؟ باید این خانه‌های مخفی که زندانیان سیاسی بطور پنهانی در آنجا نگهداری می‌شوند به مردم شناسانده شوند. باید مسئولین این اسارت‌گها شناخته و مقامات مسئولی که این دستگاہ توطئه‌گری و جنایت را به راه انداخته‌اند، در هر گجگاه باشند به سزای اعمال تنگینشان برسند. به همه این شواهد باید پاسخ داده شود مردم اجازه نخواهند داد این شبکه سراسری توطئه‌گرا نه جنایتکاران سیاسی، این شبکه سراسری شکار انقلابیون دوباره احیا شود. هم‌اکنون این شبکه برای شکار کمونستها، این مدافین راستین

سازمان می‌پیوند. این عین خلاصه وقایعی است که در طی یک هفته بر رفیق گذشت.

از آنجا که این واقع‌پردازه شکل گیری سازمانی جنایتکار بر می‌دارد که شکار و سر به نیست کردن انقلابیون را هدف خود قرار داده‌است، سازمان تصمیم گرفت با انتشار جرمیان واقع و اعلام آن به همه خبرگزاریه‌ها، مراجع حقوقی توطئه‌های کثیف و وحشیانه‌ای را که از تخاص برای سرکوب

انقلابیون تدارک دیده‌است افشا نماید.

روز دوشنبه اول آبان رژیم از طریق خبرگزاری پارس از کرمانشاه اعلام کرده‌است. فدائی خلخلی توطئه‌گرا نه رفیق را در راه بوکان ربوده‌شد و این در حالیست که او در اسارتگاه خود در تهران در سلول آن قرار داشت و اسیرات و کسی هم از دستگیری او باخبر نیست.

مردم غیور و مبارز ایران چه‌کسی این توطئه را دیده‌است؟ چرا اعلام کردند بیژن نویری در راه بوکان فرار کرده‌است، در حالیکه

● توطئه‌ای که برای ربودن بیژن نویری، شکنجه و قتل وی تدارک دیده شده بود، از تمام نمونه‌های دیگر متمایز است. این بار این کل دستگاہ دولتی است که دقیقاً به شیوه رژیم شاه تمام اجزایش به کار گرفته می‌شود تا یک انقلابی را به سر و صد اشکار کند و زیر شکنجه به شهادت برساند.

پس از چند ساعت توقف در خوی مستقیماً به سوی تهران حرکت و صبح روز ۲۸ مهر به تهران می‌رسند در تهران دوباره چشمان رفیق ترا بندند و ساعتی بعد (۱۰ صبح) او را در یک زیرزمین در یک اتاق کوچک دارای یک لایف کویچ و یک تخت خواب حبس می‌کنند. در اینجا او متوجه می‌شود که از ابتدای ربودن وی کوشش زیادی به عمل آوردند که کسی متوجه دستگیری وی نشود و یک وقتی از یک پاسدار می‌خواهد که به پدرش تلفن بزند و خبر دستگیری پدرش را به او بدهد پاسدار جواب منفی می‌دهد و می‌گوید "در کل ایران فقط ۵ نفر از دستگیری تو خبر دارند و ما چنین اجازه‌ای نداریم".

رفیق از این ساعت به بعد تا روز پنج‌شنبه سوم آبانماه ساعت ۱۰ صبح در آن اتاق زندانی بوده‌است در طی این مدت در هیچ‌کجا، هیچ‌کس دلیل بازداشت و ربودن وی را به او اعلام نمی‌کند. در برابر سئوالا، ت. رفیق در این باره فقط جواب می‌دادند "بعد خواهی فهمد".

در این ساعت وی موفق می‌شود با کندن دو آجر از دهانه مجرای عبور لوله‌های تاسیسات ساختمان که از بالای در ورودی اتاق می‌گذشت از آن بیرون آمده، پس از عصبیت تلاش بالاخره از محوطه محصل اسارت خود خارج و ساعتی بعد به

زده شروع به شعار دادن نمود. در این حال مزدوران نگهبان او به تکیا پو افتادند قولهای مساعدمی دادند که "ازادت می‌کنیم، اشتباه کردیم..." ساعت ۱۲ همان شب رفیق را به ارومیه می‌برند. در آخرین ساعات روز ۲۷ مهر به سراغ او آمده و با چشم بسته او را به یکی از خانه‌های اشرافی فتوودالبهای خوی بردند اعتصاب غذا، رفیق را بسیار ضعیف کرده بود. در آنحالت پاسداران طرح‌هایی برای ترور رفیق می‌کشیدند، یکی می‌گفت "فلانی را کشتیم، ترا هم می‌فرستیم ببینش. می‌زنیم بعد می‌گویم در وسط راه بنا کرده‌اند درگیر شدیم و این توی ماسخین تیر خورد".

دیگری می‌گفت "نه، یکشیم و جال کنیم" سپس بین آنها می‌آختن تیر بر سر تقسیم پول و ساعت وی در گرفت یکی از پاسداران کلت خود را آماده کرد و به روی شقیقه او گذاشت یکی دیگر از پاسداران اصرار داشت که با یوزی (مسلح) رفیق را ترور کند. (چند روز بعد یکی از هم‌سین پاسداران در تهران تحت تأثیر آشنا شده با اهداف رفیق به او می‌گوید "با پاپا والله ما باید از هانمی فهمیم در خوی کم مانده بود با کشتن موافقت کنیم فقط چون برگ رسیده داده بودیم که تابه تهران تحویل دهیم، منصرف شدیم".)

● توطئه‌ای که برای ربودن بیژن نویری، شکنجه و قتل وی تدارک دیده شده بود، از تمام نمونه‌های دیگر متمایز است. این بار این کل دستگاہ دولتی است که دقیقاً به شیوه رژیم شاه تمام اجزایش به کار گرفته می‌شود تا یک انقلابی را به سر و صد اشکار کند و زیر شکنجه به شهادت برساند.

رفیق نویری ساعت ۸ صبح پنج‌شنبه ۲۶ مهر در یکی از محله‌های تبریز مورد تعقیب دو نفر قرار می‌گیرد (یکی از آن افراد شخصی بود بنام حمید سلیمی که اکنون یکی از مسئولین سپاه پاسداران در تبریز است)، و چند دقیقه بعد در تقاطع خیابان متحدین ۱۷-۱۸ تبریز توسط یکی از آنها که مسلح به کلت بود پس از مدت کمی کشتن بازداشت و به کمیته آزادی (یکی از کمیته‌های تبریز) منتقل شده و به سپاه پاسداران تحویل داده می‌شود. هنگامی که ماسخین از مقابل هتل دانشگاه او را به زیر صندلی اتوموبیل گشاندند که از بیرون دیده نشود. پس از پرونده‌سازی رفیق را با چشم بسته به همراه چند پاسدار مسلح به خانه‌ای شبیه به کارگاه که حیاط آن با پلاستیک زرد رنگ سقف بود بردند و در یکی از اتاقهای آن زندانی کردند.

حمید سلیمی به سراغ وی می‌رود و در حالیکه بیشتر مانه از این واقعه "تهوانی" جلادگفت "خوب گیرمان افتادی. صبر کن بهین چه روزگارت می‌آوریم". بعد از انو بیت بازجوی دیگری به نام خیا می‌که خود را به هیئت فلسطینی‌ها در آورده بود می‌رسد. بازجویی شروع شد. شیوه سئوال و جواب همچون ساواک ادامه یافت. رفیق از همان بدو رو در بسته عنوان اعتراض است به اعتصاب غذا

خلفای مبارز ایران!

روز اول آبانماه روزنامه جمهوری اسلامی و سایر روزنامه‌های تهران به نقل از خبرگزاری پارس از کرمانشاه خبری را منتشر کردند حاکم ایرانیکه روز ۲۳ مهرماه هنگامی که پاسداران بیژن نویری (عضو سازمان - شاخه تبریز) را برای مجاکمه به کرمانشاه انتقال می‌دادند در راه بوکان مورد حمله مسلحانه اعضای حزب دمکرات قرار گرفته و موفق به فرار دادن او می‌شوند خبر اضافه می‌کرد بیژن نویری در این حادثه زخمی شده و دو پاسدار و محافظ وی نیز جراحاتی برداشته‌اند سازمان قبلاً اطلاع یافته بود که رفیق روز پنج‌شنبه ۲۶ مهرماه در تقاطع خیابان متحدین - ۱۷ شهر تبریز ترور شد. خبر است اما پس از انتشار این خبر از آنجا که مسلم بود او لا مسئولیت بیژن کوچکترین ارتباطی به منطقه کردستان و کرمانشاه نداشته است، ثانیاً از آنجا که بنا به تجربیات گذشته سازمان با توجه به شکل درج خبر، سازمان وجود توطئه‌ای برای سر به نیست کردن رفیق را کاملاً جدی تشخیص داد. بخصوص چون مراجعات خانواده رفیق برای اطلاع از سلامتی وی نیز بجای نرسیده بود نگرانی‌ها را تشدید می‌کرد.

مدت یک هفته بعد از ربودن رفیق در تبریز روز ۲۹ روز بعد از انتشار خبر روزنامه‌های تبریز پنجشنبه ساعت ۵ بعد از ظهر پس از تماس با سازمان اطلاع می‌دهد که ساعت ۴ بعد از ظهر همان روز (۲۳ آبان ۵۸) موفق شیده است از شکنجه‌گهای در تهران که پاسداران او را در آن مخفی کرده بودند، بگریزد و به جنبش بپیوندد و بلافاصله گزارش مروح ما واقع را در اختیار سازمان قرار داد که خلاصه آن چنین است.

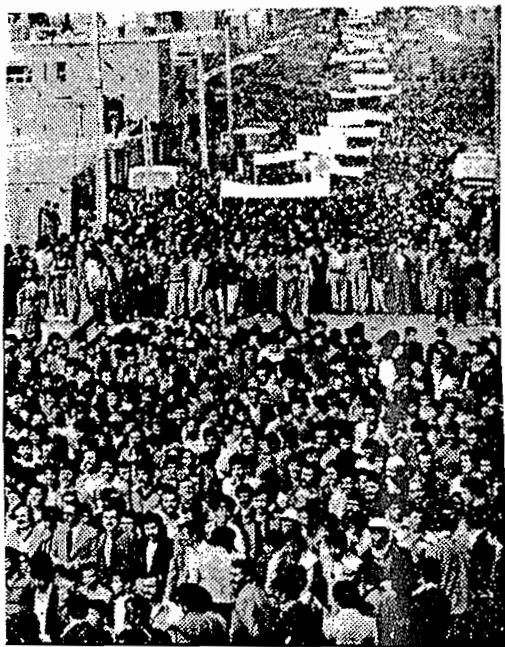
رفیق نویری ساعت ۸ صبح پنج‌شنبه ۲۶ مهر در یکی از محله‌های تبریز مورد تعقیب دو نفر قرار می‌گیرد (یکی از آن افراد شخصی بود بنام حمید سلیمی که اکنون یکی از مسئولین سپاه پاسداران در تبریز است)، و چند دقیقه بعد در تقاطع خیابان متحدین ۱۷-۱۸ تبریز توسط یکی از آنها که مسلح به کلت بود پس از مدت کمی کشتن بازداشت و به کمیته آزادی (یکی از کمیته‌های تبریز) منتقل شده و به سپاه پاسداران تحویل داده می‌شود. هنگامی که ماسخین از مقابل هتل دانشگاه او را به زیر صندلی اتوموبیل گشاندند که از بیرون دیده نشود. پس از پرونده‌سازی رفیق را با چشم بسته به همراه چند پاسدار مسلح به خانه‌ای شبیه به کارگاه که حیاط آن با پلاستیک زرد رنگ سقف بود بردند و در یکی از اتاقهای آن زندانی کردند.

حمید سلیمی به سراغ وی می‌رود و در حالیکه بیشتر مانه از این واقعه "تهوانی" جلادگفت "خوب گیرمان افتادی. صبر کن بهین چه روزگارت می‌آوریم". بعد از انو بیت بازجوی دیگری به نام خیا می‌که خود را به هیئت فلسطینی‌ها در آورده بود می‌رسد. بازجویی شروع شد. شیوه سئوال و جواب همچون ساواک ادامه یافت. رفیق از همان بدو رو در بسته عنوان اعتراض است به اعتصاب غذا

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و وابستگانش

تظاهرات دهها هزار نفری خلق کرد در سنج و مهاباد برای گرامی داشت شهدای جنگ خونین کردستان آنها یکصد نفری می زدند

در پیکار خلق کرد سازشکاری...



صحنه‌ای از تظاهرات خلق کرد در آبان (عید قربان)

نمی‌دهد، در پیکار خلق کرد سازشکاری محکوم است، جلاد تل‌زهر، جلاد خلق ماسد، اتحاد مبارزه - پیروزی، پیروزی از آن خلق است، سرافکنندگی از آن خائن است، تادینا دنیا نیست، کرد و عرب برادرند، مارک حداثی شمارا مریکا نیست، در خدمت ارتجاع، بر علیه رهاشی از جمله شعارهای این روز بود. نمونه این تظاهرات و راهپیمایی‌ها در دیگر شهرهای کردستان، سنقر، بانه و سردشت نیز برگزار شد.

گرامی باد یاد شهید دکتر... بقیه از صفحه ۱۲

عناصر سازشکار و فرصت طلب جبهه ملی می‌دانست که بدون نابودی پایگاه اقتصادی امپریالیسم بخصوص قطع سلطه فارتگرانه آن بر شریان حیاتی کشور، یعنی صنایع نفت، آزادی و استقلال ایران تا من نخواهد شد. این بود که همگام با مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران و با یاری بخشیدن به دکتر محمد مصدق در بیرون کشیدن صنایع نفت از چنگال امپریالیسم از کوچکترین تلاشی فروگذار نکرد. اما از آنجا که هم او هم دکتر محمد مصدق توسطه‌های امپریالیسم و عناصر سازشکار و فرصت طلب جبهه ملی می‌دانست که بدون نابودی پایگاه اقتصادی امپریالیسم بخصوص قطع سلطه فارتگرانه آن بر شریان حیاتی کشور، یعنی صنایع نفت، آزادی و استقلال ایران تا من نخواهد شد. این بود که همگام با مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران و با یاری بخشیدن به دکتر محمد مصدق در بیرون کشیدن صنایع نفت از چنگال امپریالیسم از کوچکترین تلاشی فروگذار نکرد. اما از آنجا که هم او هم دکتر محمد مصدق توسطه‌های امپریالیسم و

قرور آیت الله قاضی طباطبائی را محکوم میکنیم

صبح روز یازدهم آبانماه آیت‌الله قاضی طباطبائی نماینده آیت‌الله خمینی و امام‌جمعه شهر تبریز هنگام خروج از مسجد مقصودیه توسط عده‌ای ناشناس ترور شد. ما این اقدام و تمام اقدامات مشابه آن را قاطعانه محکوم کرده و

اعلام میداریم که چنین عملی جدا از سابق و مواضع سیاسی و شخصیت ایشان مفایر منافع مردم مبارز ایران و وظایف مصالح جنبش مردم میهن ماست.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ۵۸/۸/۱۱

قانون زمینداری و احیای ارضی

یک قانون ضد دهقانی و ضد انقلابی است

وزارت کشاورزی بالاخره خیال کلیه زمینداران بزرگ و سرمایه‌داران بخش کشاورزی را با اجرای تصمیماتی که از تصویب شورای انقلاب و دولت گذشته است، راحت کرد. تصویب این تصمیمات نشان می‌دهد که چگونه حاکمیت فعلی دست در دست مرتجع‌ترین و واپس مانده‌ترین طبقات و قشرهای جامعه ایرانی یعنی زمینداران و فئودالهای سابق گذاشته و چگونه حق زحمتکش روستا و دهقانان را که سالها بر سلطه زمینداران بزرگ و سرمایه‌داران وابسته به پالمانه‌ترین شکل مورد بهره‌کشی قرار داشتند را پیمان می‌کند. از آنجایی که در قانون زمینداری و احیای ارضی که دولت برای زمینداران و کشاورزان ایرانی دیده است، برقراری نظام زراعتی مزارع نظامی که در طول قرنهای سلطنت فئودالیسم در ایران عامل اصلی بدبختی، فقر و سستی است که بر دهقانان ایرانی رفته است. اما دولت مؤقت فقط به حرف اکتفا کرده بلکه عملاً به واگذاری زمینهای کشت و صنعت میان فئودالهای پرداخته است. مثلاً بنیاد اموال هزار بزدانی قصد دارد زمینهای کشت و صنعت او را در شمال خراسان بین فئودالها و خوانین منطقه بجزورد یعنی قراچولوها که از سر سریده‌ترین عوامل رژیم شاه بودند و اگر از کد وزارت کشاورزی برای اینکه

واگذاری کنند که بتواند قطعات بزرگ را اجاره کنند. (اطلاعات ۷ مهر) خودتان قضاوت کنید که دولت چگونه طرف سرمایه‌داران کشاورزی را گرفته و زمینهایی را که حق مسلم میلیونها کشاورز آواره ایرانیست که به شهرها کوچ کرده و در بدترین شرایط زندگی می‌کنند به پول دارها و زمین دارها و سرمایه‌داران بزرگ واگذاری می‌کند و پس از آن با کمال بی‌شرمی رهنمود می‌دهد که کسانی که زمین هایشان واگذار شده می‌توانند به صورت مزارع یا سایر انواع قراردادها با زارعان زمینداران اکتفا کنند. بله این است خوابی که دولت برای زارعان و کشاورزان ایرانی دیده است. برقراری نظام زراعتی مزارع نظامی که در طول قرنهای سلطنت فئودالیسم در ایران عامل اصلی بدبختی، فقر و سستی است که بر دهقانان ایرانی رفته است. اما دولت مؤقت فقط به حرف اکتفا کرده بلکه عملاً به واگذاری زمینهای کشت و صنعت میان فئودالهای پرداخته است. مثلاً بنیاد اموال هزار بزدانی قصد دارد زمینهای کشت و صنعت او را در شمال خراسان بین فئودالها و خوانین منطقه بجزورد یعنی قراچولوها که از سر سریده‌ترین عوامل رژیم شاه بودند و اگر از کد وزارت کشاورزی برای اینکه

پیش به سوی تشکیل دهقانی در سراسر ایران

گرامی باد خاطره پرشکوه رفقای...

این رفیق منوچهر بهائی پوردر سال ۱۳۲۴ در لاهیجان به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات در شرکت مخابرات به کار پرداخت ولی پس از چندی استعفا داد. از سال ۱۳۴۵ وارد فعالیتهای سیاسی شد و پس از دو سال رسماً به سازمان پیوست و همچون یک انقلابی حرفه‌ای به مبارزه پرداخت. پس از یورش وحشیانه ساواک در سیزده بهمن ۴۹ به لاهیجان، او مخفی شد و به تهران آمد و با سایر رفقای هم‌رزمش در مبارزه علیه رژیم فعالانه شرکت جست.

رفیق منوچهر بهائی پوردر سال ۱۳۲۴ در لاهیجان به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات در شرکت مخابرات به کار پرداخت ولی پس از چندی استعفا داد. از سال ۱۳۴۵ وارد فعالیتهای سیاسی شد و پس از دو سال رسماً به سازمان پیوست و همچون یک انقلابی حرفه‌ای به مبارزه پرداخت. پس از یورش وحشیانه ساواک در سیزده بهمن ۴۹ به لاهیجان، او مخفی شد و به تهران آمد و با سایر رفقای هم‌رزمش در مبارزه علیه رژیم فعالانه شرکت جست.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت سالروز ۱۳ آبان :

۱۳ آبان ماه را گرامی بداریم

توطئه های امپریالیسم و بورژوازی را افشا کنیم

"لحظاتی هستند که دوران سازند و دورانی که از چنین لحظاتی سرشارند." لحظات دوران سازند در موقعیت های انقلابی شکوفایی می گردند و موقعیت های انقلابی اغلب آنکند از این اثر پر شکوه انقلابیونی است که در جهت گسستن زنجیرهای خونین اسارت جان پرکف می نهند و عظمت توده ها را در قالبی حماسه های سترگ انسانی نمودار

برداشته شده است. نبود صف مستقل طبقه کارگر، نبود سازمان سیاسی سراسری واحد و منسجم طبقه کارگر در این زمان از یک سو سبب پراکندگی و تشتت در امر رهبری جنبش شده است و از سوی دیگر زمینه را برای جریانهای غیر پرولتاری فراهم نموده است که رهبری آن را به دست گیرند. کشاکشی که در درون هیئت حاکمه

می گوشتند تا هر چه سریعتر به دستاوردهای خود شکل قانونی داده و دیگران را بطور کامل تحت سلطه خویش در آورند و بورژوازی که خیال قبضه قدرت را در سردارد، با نیرنگ و فریب سعی دارد که خود را ترقبخواه نشان داده و قدرت توده ها را به نردبان خود برای کسب کامل قدرت مبدل سازد. بورژوازی سیستم اعمال

فریبکارانه سعی می کند مخالفت خود را با حکومت و شیوه حکومت قرون وسطایی قشربون، در لباس آزادیخواهی و مخالفت با ارتجاع پنهان سازد و از این طریق توده های ستمدیده را تحمیق کرده و به خدمت آمال ضد انقلاب خود در آورد.

بورژوازی با تاکتیکهای بسیار زیرکانه ای می گوشتند تا از مخالفت مردم، بر علیه پاسداران و جنایات فجیع آنان به سود خود بهره گیری کند و برای ارتش سرکوبگر ایجاد محبوبیت نماید. اومی گوشتند تا مخالفت توده ها را با نیروهای مسلح سرکوبگر به مخالفت با پاسداران منحصر ساخته و از این طریق هر چه بیشتر به احیاء ارتش و دیگر دستگاههای سرکوب پیشین که ارگانهای واقعی سرمایه داری و امپریالیسم برای سرکوب جنبش توده ای هستند به پردازد و از این طریق قدرت راقبضه گسسته و موقعیت خود را مستحکم سازد. مخالفت های بورژوازی با سیستم حقوقی و اداری قشربون با هدف قبضه کامل این سیستم هاسورت

■ دانش آموزان و دانشجویان انقلابی باید بگویند تا با آگاهی کامل در انطباق هر چه بیشتر مبارزه خود با حرکت تاریخی پرولتاریا گام بردارند.

می سازند. ۱۳ آبان ماه سال ۵۷ یکی از همان لحظات دوران سازند است که نه تنها در این زمان بلکه در تمام آینده های که در پیش داریم، یاد آوری آن همیشه نیروبخش صفوف رزنده ما و کارگر ما بخش بیکار و بیگرمای علیه اسارت انسانها خواهد بود. در چنین روزی دانش آموزان انقلابی کوچک ها را به روزگامی خونین بدل کردند و با مشت های گره کرده و ایمانی تزلزل ناپذیر، سنگر به سنگر در برابر هجوم ارتش ارتجاعی شاه به مقاومت پرداختند و با خون خود نابودی گریز ناپذیر رژیم وابسته را تسریع نمودند. رژیم در برابر سر عظمت این مقاومت متزلزل شد و کابینه شریف ناما می خاشن ۴۸ ساعت پس از آن سقوط کرد. باروی کار آمدن از هاری، شاه مزدور آخرین تیر تکرش خود را برای سرکوب جنبش رهان نمود. اما جنبش کارگری با استقرار کابینه سیاه نظامیان به سرعت گسترش یافته، آخرین مقاومت ها را درهم شکست و در روند

میان "قشربون" و بورژوازی بر سر قبضه کامل قدرت برقرار است، همراه با دیگر عملکردها و توطئه های آشکار و پنهان امپریالیسم در جهت احیاء کامل وضعیت پیشین دست به دست هم داده و وضعیت را به گونه ای بسیار پیچیده در آورده اند. اینک موقعیت حساس و پیچیده است و میهن ما یکی از تعیین کننده ترین لحظات تاریخ خود را سپری می کند. با توجه به

حاکمیت قشربون رانی پذیرد. کمیته ها، شورای انقلاب، سپاه دادگاههای انقلاب، سپاه پاسداران، بنیاد مستضعفین، مجلس خبرگان، هیچکدام مورد تأکید بورژوازی نیست. او در جهت احیاء دستگاه سرکوب خود یعنی ارتش، ژاندارمری، شهربانی و ساواک هر چه سریعتر وارد میدان شده است. قشربون مرتجع می گوشتند تا احساسات

■ بورژوازی سعی می کند با ماسک گول زنده "آزادی خواهی" و ابراز ناسف از حماقت های خرد بورژوازی به همدردی با دانش آموزان و دانشجویان تظاهر نماید. باید همواره این فریب کاری ها را افشا کنیم.

مذهبی مردم را همچون حربه ای علیه خود آنها بکار برند. اینان به تحمق و تحریک مردم می پردازند و به هر کاری که دست می زنند برای آنان دستمایه شرعی می تراشند و هر مخالفتی را با این عنوان که کفر و زندقه و ضد

همین واقعیت هاست که آموزش از تجربیات گذشته جنبش انقلابی میهنان، مطالعه تجربیات سایر خلقها و فراگیری هر چه وسیع تر مارکسیسم-لنینیسم، اینن اندیشه سترگ همه رنجبران جهان برای دست یافتن به درک درست و روشن از روند تحولات کنونی اهنیتی حیاتی کسب کرده است.

دانش آموزان و دانشجویان میهن ما تنها از طریق درک این موقعیت حساس و چگونگی روند تحول آن می توانند حرکت خود را

■ ارتش سرکوبگر سعی می کند با تاکتیک های زیرکانه از جنایات فجیع پاسداران و مخالفت مردم علیه آنها برای خود محبوبیت کسب کرده و به سود خود سرمایه داران وابسته بهره گیری کند. این توطئه ها را باید به توده ها بشناسانیم.

خود زمینه قیام شکوهند بهمن ماه را فراهم ساخت. اینک که نخستین سالروز این حماسه انقلابی فرار سیده استند باید بگوئیم هر چه بیشتر و هر چه ژرفتر درسهای خونین آنرا بنام موزیم و در پرتو این درس ها صفوف خود را برای مبارزه ای هر چه قاطع تر بر علیه امپریالیسم، استثمار و ارتجاع مستحکم تر کنیم. در چنین لحظه ای بیش از هر زمان دیگر ضرورت دارد که به کمک درس های جنبش توده ای میهنان، وظایف خطمیری را که در پیش داریم به انجام رسانیم. در این زمان مبارزات دانش آموزان و دانشجویان همراه با کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای سراسر میهن ما علیه امپریالیسم، استثمار و ارتجاع بطور دم افزون گسترش می یابد و این در حالی است که هنوز صف مستقل طبقه کارگر شکل نشده و تنها گامی در جهت ایجاد آن

در جهت درست سازمان دهند و توطئه ها را خنثی نمایند. جنبش انقلابی خلق ما هم از نظر وسعت و هم از نظر قدرت یکی از درخشانترین جنبش های توده ای تاریخ بود. لیکن فراهم نبودن شرایط ذهنی، نبود رهبری منسجم طبقه کارگر سبب شد که جنبش به نتیجه ضروری نرسد و حاکمیت جدید در جهت پایمال کردن خواسته های توده ها به هجوم و سرکوب اقدام کند.

حاکمیت موجود، مرکب از بورژوازی و بخش واپس مانده و رو به زوال خرده بورژوازی، اینک در برابر روند دموکراتیک و ضد امپریالیستی جنبش ایستاده و هر کدام از نیروهای فوق به طریقی می گوشتند تا سلطه خود را بر توده ها تحمیل کنند. قشربون در برابر جنبش کارگری و کمونیستی ایران سیاست سرکوبگرانه را در پیش گرفته اند. آنها همچنین

می گیرد. لیکن هم اکنون شاهدیم که این دشمنان آشتی ناپذیر زحمتکشان چگونه با تبلیغات گوناگون خود را به هیات آزادی خواهان و مدافعان حقوق مردم درمی آورند. اینان احزاب ساختگی خود را ایجاد کرده اند و از طریق وحدت با روحانیون طرفدار خود می گوشتند تا با سلاح قشربون به جنگ خود آنها برود و کارهای خود را به اصطلاح سیاسی شرعی بدهند. بورژوازی می گوشتند تا از طریق قبضه قدرت و اقتصاد سیاسی جدید، وضعیت اقتصادی قدیم را احیاء نماید و به قول خود از این سیل بنیان کن که حرکت توده ها باشد پیشگیری کنند. بورژوازی که بطور حیاتی و اساسی به سرمایه جهانی و امپریالیسم وابسته است تا آنجا که می تواند به تجدید مناسبات پیشین می گوشتند و کوششهای خود را بطور دم افزون شتاب داده و حتی بطور آشکار تبلیغ می نماید.

جیره خواران رژیم شاه، مشاطه گران زبردست دیکتاتوری و مخالفین کاخ نشین دیروز، امروز به هیئت مصلحین اجتماعی درآمده و از مصیبت های مملکت و ملت دم می زنند. اینها در هر کجا که باشند و در هر لباسی که باشند کمابیش حرف واحدی می زنند. جان کلام آنها همواره و در تمام موارد این است که استثمار طبقه کارگر و زحمتکشان لازم است. و این استثمار سیاست زیرکانه خاص خود را می طلبد. سرمایه داری بزرگ وابسته با همان

بخش انحصاری پیشین که حاکمیت را در دست خود داشت، اکنون می گوشتند تا دلایل سیاسی را به واسطه ای برای انتقال قدرت از چنگ خرده بورژوازی به چنگ خود یعنی به چنگ امپریالیسم تبدیل نماید. این دلایل نقاب ملی و آزادیخواهی برجسته زده اند و در حال حاضر از جنایات قشربون مرتجع به سود منافع غارتگرانه خود با هوچیگری و عوامفریبی زندانهای بهره گیری می نمایند. این بخش از بورژوازی که به علت قدرت اقتصادی خود از افتخار تحت الحما یگی همه جانبه امپریالیسم برخوردار است. اکنون در نظر بخش دیگر بورژوازی با همان بورژوازی غیر انحصاریه متابه یک ناجی خطرناک جلوه می کند. این بخش از بورژوازی بیم دارد که بورژوازی بزرگ با تکیه بر قدرت انحصاری خود همه قدرت سیاسی راقبضه کند و برای آنها همسان محدودیت هایی را ایجاد کند که رژیم شاه برای آنان ایجاد کرده بود. این است منشأ واقعی ترس این بخش از بورژوازی به قدرت رسیده و همین است مبنای کذابی شعارهای لیبرالی آنان. در موقعیت کنونی سرمایه داری وابسته در جامعه ما، شعار آزادی خواهی بورژوازی در نهایت مفهومی جز آزادی بسط و وابستگی و آزادی برای تنظیم این وابستگی به تناسب موقعیت کسب بورژوازی نمی تواند باشد. امپریالیسم که سلطه خود را بر سیستم اقتصادی موجود حفظ نموده است از طرق مختلف می گوشتند تا سیاست کا ملا وابسته و مناسب آمال خود را در میهن ما پیاده نماید و در این روند چشم او بیش از همه به حرکات بورژوازی بنفقه های آن

دوخته شده است. امپریالیسم کوششهای خود را برای احیاء کامل سلطه سیاسی پیشین بر اساس سلطه اقتصادی خود و با تکیه بر بورژوازی به ویژه بورژوازی بزرگ صورت میدهد. لیکن او همچنان که تجربیات خلق ما بویژه در ۲۸ مرداد نشان داد و همچنانکه عملکرد امپریالیسم در تمام کشورهای تحت سلطه نشان میدهد، برای دستیابی به هدف فوق همواره یک رشته نقشه های پنهانی و توطئه گرانه را جهت احیاء مل ارتش و قرار دادن مهره های وابسته خود، در پست های حساس آن بکار می بندد. و اینک تا حدی در این امر موفق شده است. در آینده کودتا آمیزی محتمل شمرده می شود. او مخفیانه مهره هائی همچون چمران و مدنی و قطب زاده را در آستین کشاد خرده بورژوازی حاکم می پروراند و حتی آنچنان تبلیغاتی را بشیوه آمریکایی برای این مهره ها به پیش می برد و چنان از مهره های خود شخصیت سازی می کند که قشربون مرتجع در این زمینه به گرد آنها نمی رسند. هر گاه به نمونه های از این توطئه ها از جمله به نقش مدنی و چمران در خوزستان و کردستان و زمره ریاست جمهوری امثال مدنی ها اشاره کنیم مسئله بهتر قابل درک خواهد بود. اما عوامل امپریالیسم کوشش خود را برای قبضه قدرت سیاسی تنها بر قبضه نبض آن یعنی ارتش منحصر نمی کنند. آنها هم اکنون در مجلس خبرگان، در کمیته ها و وسایله پاسداران بقیه در صفحه ۱۱

گرامی باد خاطر شهسادی بخون خفته خلق

مراسم ائمه شهادت ۱۳ آبان (شنبه خونین) برگزار شد

دهها هزار نفر از دانش آموزان پیشگام تهران به مناسبت گرامی داشت خاطره شهدای بخون خفته ۱۳ آبان، شنبه خونین مراسم در دانشگاه پلی تکنیک تهران برگزار کردند.

در این مراسم که روز یکشنبه ۱۳ آبان برگزار شد، دانش آموزان پیشگام 'شهادت ۱۳ آبان' گشته که با قهر مانهای خود حکومت شاه را یک قدم دیگر به سقوط نزدیک کردند، تحلیل نمود و ضمن بررسی جزئیات مختلف دانش

آموزی، چشم انداز بیوند دانش آموزان کردند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نیز در پیام خود به مناسبت این روز تاریخی و با توجه به نقش ارزنده ای که برای جنبش دانش آموزی و دانشجویی در مبارزات انقلابی خلقهای ایران قائل میباشد ضمن تحلیل مختصری از وضعیت جامعه، واقفای نقش فریادگارانسه پوزواری در مورد وظیفه مرم دانش آموزان و دانشجویان، انقلابی خاطر نشان ساخت که دانش آموزان و

دانشجویان باید بنوشند تا با آگاهی کامل ماهیت بورژوازی را که سعی دارد با گول زنده آزادی خواهی زردی ظاهری بسازد دانش آموزان و دانشجویان از براندگی صغوف آنها استفاده کنند و همچنین قشربونی که بخواهند با تحمیل و تزویر در صفوف رزمنده دانشجویان و دانش آموزان شکاف بیندازند، بشناسند و با افشای ماهیت آنها برای توده ها، بکوشند مبارزه خود را هر چه بیشتر با حرکت تاریخی پرولتاریا تطبیق دهند.

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به مناسبت سالروز ۱۳ آبان

قوتنه های امپریالیسم و بورژوازی را...

۱۳ آبان را گرامی بداریم.

بقیه از صفحه ۱۰

جهت کسب حقوق دموکراتیک و در نهایت مبارزه برای نابودی وابستگی و استثمار تنها و تنها با تکیه و تکیه بر طبقه کارگر و تحت رهبری سنجیده این طبقه است که می تواند پیروزی واقعی کسب کند. لزوم تأمین این رهبری و وظایفی بس سنگین و حساس را بعهده مارکسیست لنینیستها می گذارند که در رأس این وظایف و اساسی ترین آنها برقرار نمودن پیوند سیاسی - تشکیلاتی با طبقه کارگر است. بدون درآمیختن آگاهی سوسیالیستی با حرکات خودانگیخته کارگران و بدون پیشبرد امیرالسم سازماندهی این حرکات و بسندون دستیابی به نتیجه منطقی این پروسه ها که همان تشکیل حزب طبقه کارگر باشد، سخن از رهبری جنبش و بالاتر از آن سخن از پیروزی واقعی جنبش تنها پنداری بی پایه خواهد بود.

غلبه بر بی برنامه گی و پراکندگی درون جنبش کارگری و جنبش کل توده ها و خلقهای میهن ما، آن وظیفه ای است که اگر درست انجام نگردد، جنبش را با خطرات جدی و مرکبای روی برو خواهد ساخت عمده ترین این خطرات در شرایط کنونی آن است که دستاوردهای جنبش طبقه کارگر و توده های زحمتکشان و خلقهای ایران برای رهائی از ستم امپریالیسم و سرمایه داری یک بار دیگر به غارت رود. این خطر که ملا وجود دارد همانگونه که قیام خونین خلق، علیه رژیم دیکتاتوری به علت پراکندگی در جنبش کارگری و نبود صف مستقل آن توسط ارتجاع قشری تحت لوای دفاع از اسلام به تاراج رفت، یک بار دیگر مبارزه دموکراتیک، ستم امپریالیستی و رهائی طلبانه طبقه کارگر و ساقشار خلق، ماکه باید لزوماً به استقرار جمهوری دموکراتیک خلق بیانجامد توسط بورژوازی و تحت لوای دفاع از آزادی به تاراج رود.

اکنون باید هرگونه ارزیابی سازگشتش، رشد و اعتلا جنبش حاوی توجه کافی به عنصر آگاهی سازماندهی و رهبری در این جنبش باشد و تنها با چنین دیدی می توانیم مطمئن باشیم که درک درستی از سمت گیریهای مثبت و منفی جنبش داریم. در این مقطع مبارزه علیه امپریالیسم، استثمار و ارتجاع از کاتال تلفیق آگاهی با حرکات

به اشکال مختلف نمود کرده و سعی دارند تا از این طریق ارگانهای خود را بورژوازی را نیز فیضه کنند و به سود خود به حرکت درآوند با در صورت عدم کامیابی آنها را از میان بردارند. امپریالیسم و عمال آن با نقشه های حساب شده می کوشند تا قشریون مرتجع را به هجوم هر چه وسیع تر علیه جنبش کمونیستی برانگیزند و تاکنون در این سیاست خود موفق بوده اند، بایک بررسی ساده از کارکرد حاکمیت موجودا شکار می شود که طی ماههای اخیر عمده نیروی آن صرف سرکوب جنبش کمونیستی و جنبش کارگران و زحمتکشان و سرکوب مبارزه دموکراتیک خلقهای ایران شده است و همین مسئله به سادگی هم ماهیت حاکمیت موجود و هم میزان موفقیت امپریالیسم را در پیشبرد نقشه هایش نمودار میسازد. آن دستاوارتشیان شاه دوست که اینک در یافتن در این شرایط شاه دوستی عین بی سیاستی است اکنون پشت سر بختار جمع شده اند و حمایت از بختار را در لوای تقویت و دفاع از امتان مدنی ها پیشکش می برند. اینان نیز به نوبه خود شعارهای مردم فریبی را علم می کنند و از لزوم آزادی می زنند و با پنجاو آنجا با اتحاد نینزنگهای بسیار زیرگانه می کوشند تا خود را مخالف سرکوب خونین مردم مبارز توسط قشریون جلوه دهند.

جنبش است شمای از وضعیت پیچیده و موقعیت حساس و خطیر کنونی. در چنین موقعیتی هرگونه ساده نگری و غفلت چه بسا که فاجعه ای در پی داشته باشد. رضایتی دم افزون و مبارزه گسترش یابنده توده های تحت ستم و خلقهای تحت سلطه میهن ما علیه ارتجاع سرکوب و علیه استثمار امپریالیسم اگر با آگاهی و هوشیاری نیست به تحولات کنونی صورت نگردد، اگر این مبارزات عادلانه تحت رهبری طبقه کارگر قرار نگیرد دوبه گونه ای درست رهبری نشود. اگر هر چه مورج بر روند مبارزه چیره گردد و در سازمان یافتگی جایگزین لجام گسیختگی نگردد، هر آینه ممکن است که مبارزه نتایجی عکس اهداف خود به بار آورد. این حقیقتی است که عدم توجه به آن چیری جز بی توجهی به منافع توده ها و بی توجهی به سرنوشته جنبش نخواهد بود.

مبارزه علیه ارتجاع و مبارزه در

به مناسبت شصت و دومین سالروز انقلاب کبیرا کتبر

انقلاب کبیرا کتبر به منزله ...

و مقدرات انقلاب، وابسته به آن است که این جماعت زحمتکش شهروده در مبارزه برای به دست آوردن قدرت از کدام طرف پشتیبانی کند، از بورژوازی یا از خیره پرولتاریا... انقلاب کتبر پیروز گردید. چون توانست ذخیره های دهقان بورژوازی را از کف وی خارج کند، چون توانست این ذخیره را به سوی پرولتاریا جلب نماید و پرولتاریا در این انقلاب یگانه نیروی رهبری توده های میلیونی مردم زحمتکش شهروده گردید.

کسی که به این مسئله پی نبرد آنکس هیچگاه نه چگونگی انقلاب کتبر، نه طبیعت دیکتاتوری پرولتاریا و نه بالاخره وضعیت اختصاصی سیاست داخلی حکومت پرولتاریائی ما را خواهد فهمید. دیکتاتوری پرولتاریا صرفاً عبارت از قرار گرفتن در اس حکومت نیست. دیکتاتوری پرولتاریا اتحاد طبقاتی پرولتاریا و توده های زحمتکش دهقانان است که برای سرنگون ساختن سرمایه و برای پیروزی نهائی سوسیالیسم، منتها با این شرط که نیروی رهبری کننده این اتحاد، پرولتاریا است، برقرار می گردد. رفیق استالین همچنین در مورد شرایطی که پیروزی انقلاب کتبر را فراهم کرد، می گوید:

"صرف نظر از موقعیت خارجی یک سلسله شرایط مساعد داخلی بود که پیروزی انقلاب را آسان کرد. مهمترین آنها عبارتست از: اولاً انقلاب کتبر با فعال ترین وجهی از طرف اکثریت عظیم طبقه کارگر روسیه پشتیبانی می شد. دوم دهقانان فقیر اکثریت سر بازان که تشنه صلح زمین بودند از انقلاب کتبر پشتیبانی قطعی می نمودند.

سوم انقلاب کتبر در رأس خود نیروی رهبری کننده ای چون حزب آزموه بلشویک را داشت که نتنها تجربه و انضباطی که طی سالیان دراز قوام یافته بود، بلکه ارتباط های پر دامنه این حزب با توده های زحمتکش نیز از آن را نیرومندی ساخت.

چهارم - انقلاب کتبر در مقام بل خود بورژوازی کم و بیش ضعیف و طبقه ملاکین را داشت که نه تنها عصیان های دهقانان کلا را و حیه خود را باخته بودند و همچنین احزاب سازشکاری همچون منشویکها و س-ارها را که طی جنگ ورشکستگی آنان به حد کمال رسیده بود و دفع آنها کار آسانی بود...

برقرار با اتحاد کارگران و همه زحمتکشان سراسر جهان هر چه بتوان تریا د جنبش پرولتاریائی سراسر جهان پیروز با مبارزه برای رهائی و سوسیالیسم زنده باد انترناسیونالیسم پرولتاری

پرولتاریای روسیه این پیشتر از پرولتاریای جهان، تحت رهبری آموزگار و رهبر پرولتاریای جهان لنین کبیر، پرچم ظفر نمون انقلاب سوسیالیستی را در روسیه برافراشت پرولتاریای روسیه برای اولین بار آن رسالت عظیم را که تاریخ بر عهده پرولتاریا گذاشته است و مارکس و انگلس بنیان گزاران کبیر سوسیالیسم در نوشته های خود به آن تاکید داشتند، نشان داد. پرولتاریای روسیه در عمل صحت نظریه های سوسیالیسم علمی را به اثبات رساند.

لنین درباره اهمیت انقلاب کتبری می گوید: "انقلاب کتبر به همه کشورهای جهان راه سوسیالیسم را نشان داد و به بورژوازی خاطر نشان ساخت که دوران عظمت و شکوهش پایان یافته است." در طول تاریخ انقلابات زیادی به وقوع پیوسته است اما انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر تغییرات عظیمی در سطح جهان پدید آورد. هیچ انقلاب دیگری این چنین تأثیری زرف بر زندگی و سرنوشته بشریت نداشته است. انقلاب کتبر بشارت دهنده آغاز عصر سرنگونی نظام سرمایه داری و جایگزینی آن به سوسیالیسم است.

انقلاب کتبر بشارت دهنده عصری است که توده های خلق کشورهای تحت سلطه از پیوغ امپریالیسم و ستم رهائی می یابند. انقلاب کتبر سر آغاز عصر انقلابات پرولتاریائی و انقلابات رهائی بخش خلقهاست.

انقلاب کتبر تأثیری است بر لنینیسم، بر تکامل خلق مارکسیسم تأثیری است بر استراتژی و تاکتیک حزب بلشویک تحت رهبری لنین و تأثیری است بر انقلاب تهرامیز و دیکتاتوری پرولتاریا. این جوهر انقلابی مارکسیسم - لنینیسم و پاسخ دندان شکنی است که به اپورتونیست های فرمسیست و تجدید نظر طلب که خائنانسه می کوشند با رسوخ ایدئولوژی بورژوازی در درون جنبش کارگری مارکسیسم را از جوهر انقلابی آن تهی کنند و سلطه بورژوازی را طولانی تر سازند.

انقلاب کتبر به دیکتاتوری بورژوازی در روسیه پایان بخشید و جامعه را از شر انگل های مفت خوار سرمایه داروزمین دار نجات داد. انقلاب کتبر حکومت زحمتکشان، رفیق استالین درباره خصوصیات انقلاب کتبری می گوید: "مسئله توده های زحمتکش خرد بورژوازی شهروده و مسئله جلب این توده ها به طرف پرولتاریا

ماه مناسبت سالروز انقلاب کتبر و به منظور استفاده از تجربیات تاریخی و شناخت علل و چگونگی این انقلاب، مختصری از مبارزات پرولتاریا و سایر زحمتکشان روسیه را بخصوص در مقطع دوران انقلاب فوریه و کتبر در شماره آینده چاپ خواهیم کرد.

سالگرد انقلاب کبیرا کتبر را به پرولتاریا و همه زحمتکشان جهان تبریک می گوئیم

گرامی باد * خاطره پر شکوه رفقای شهید

گرامی باد رفقای شهید .
چنگیز قبادی - مهنوش ابراهیمی - محمد علی سالمی ، منوچهر بهائی - پروین فاطمی ، همایون کتیرائی ، بهرام طاهرزاده ، ناصر کریمی ، هوشنگ تره گل .
رفقای شهیدی که از آنها یاد می کنیم ، عمدتاً در مهرماه سال ۵۶ در اوج شکوفایی
جنبش مسلحانه جان باختند . گروهی از آنان در جریان محاصره خانه های تیمی
در خیابان ابطنی و به راه آذری به شهادت رسیدند و گروهی دیگر از رفقای
دلیر از آن خلق بودند ، که در سپید دم روز یکشنبه ۱۷ مهرماه ۵۶ به جوخه اعدام
سپرده شدند .



رفیق فداائی شهید سیدنورزادی



رفیق فداائی شهید سیدنورزادی



رفیق فداائی شهید علی سالمی

در نخستین روزهای مهرماه سال ۵۶، خانه تیمی رفقا دکتر چنگیز قبادی ، محمد علی سالمی و حسین سیدنورزادی در سیه راه آذری به محاصره مزدوران درآمدو این رفقا پس از یک درگیری طولانی و نبرد قهرمانانه به شهادت رسیدند .

* رفیق چنگیز قبادی در سال ۱۳۱۹ در روستای پاشاکلا (بابل) متولد شد . تحصیلات ابتدائی خود را در یکی از دبستانهای شاهی و دبستان بدر بابل و تحصیلات متوسطه را در دبستانهای شاهپور و قناد و دارالفنون به پایان رساند . سپس در رشته پزشکی دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت . در سال ۱۳۴۷ با رفیق مهنوش که او نیز

کلوله قرآمی گیرند و موفق به فرار نمی شوند) . این رفقا در تهران با دشواری زیاد موفق به برقراری ارتباط با سازمان می شوند . رفیق چنگیز قبادی فرمانده تیمی می شود که رفقا سالمی و سیدنورزادی عضو آن بودند . و رفیق مهنوش نیز به تیم دیگری ملحق می شود .

* رفیق محمد علی سالمی در سال ۱۳۲۵ در کرمانشاه متولد شد . پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه در دانشکده اوبار فقامه پیوسته و حسین سیدنورزادی آشنا شد .

پس از حادثه سه راه آذری ضربه به تیم دیگری که رفیق شهید عباس جمشیدی رودباری فرمانده آن بود منتقل شد . (در این میان رفیق سرکاری از اعضا این تیم در سر قرار یافتیم رفیق قبادی دستگیر شد و در ۱۲ اسفند ۵۶ در کنار رفقای شاخه تبریز در برابر جوخه

اعدام ایستاد) . پس از دستگیری رفیق سرکاری رفقای تیم خیابان ابطنی تصمیم به تخلیه خانه می گیرند . ساعت ۵ صبح روز یکشنبه (۶ مهرماه ۵۶) رفقا مهنوش ابراهیمی و منوچهر بهائی پور با کلبه مواد منفجره و اسلحه موجود ، خانه را ترک می گویند . اما دیگر دیر شده بود . رفقا خود را در محاصره مأموران می یابند .

مقاومت دلیرانه این دور رفیق به رفیق فرمانده تیم (عباس جمشیدی رودباری) اجازه می دهد که خط محاصره را بشکند و به سلامت به رفقای تیم های دیگر ملحق شود . (یک رفیق دیگر که از اعضای جدید بود و هنوز مسلح نبود دستگیر می شود) رفیق بهائی پس از نزدیکی خانه به شهادت می رسد و رفیق مهنوش ابراهیمی که در زیر بقیه در صفحه ۹

گرامی باد یاد شهید دکتر حسین فاطمی

شرکت کرد و در راه آن جان باخت . او به خوبی می دانست که قطع مناسبات اقتصادی و برچیدن سلطه امپریالیسم جز با قطع کامل روابط اقتصادی ، سیاسی ، نظامی و فرهنگی با امپریالیسم میسر نیست . دکتر حسین فاطمی ، برخلاف دیگر بقیه در صفحه ۹

دکتر حسین فاطمی در مبارزات ضد امپریالیستی خلق ایران و جریبان ملی نمودن صنایع نفت ، نقش ارزنده ای داشت . دکتر حسین فاطمی هم رزم و هم سنگر دکتر محمد مصدق با اعتقاد راسخ و عزم آهنین در این مبارزات

قانون زمینداری و احیای ارضی یک قانون ضد دهقانی و ضد انقلابی است

توضیح ...
متن زیر در شماره قبل ، متن تصحیح شده آن در این شماره به چاپ می رسد .

اخیر در جزوه به نام های " مبارزه با انحصار طلبی ... " و " بحث حول میرترین مسائل جنبش کارگری " توسط یکی از محافل هوادار به نام " راه فدائی " چاپ و انتشار یافته است . در مقدمه این جزوات بخصوص در شماره یک آن مطالبی نوشته شده که این توهم را به وجود آورده است که نویسندگان جزوه ها ضمن عضویت در سازمان تصمیم به انتشار نظرات خود گرفته اند . در این رابطه سازمان لازم می دانست توضیح دهد که نویسندگان جزوات گرچه همکاری هایی با سازمان داشته

هنوز هم دارند ، اما هیچگاه عضو سازمان نبوده اند .
به دعوت دانش آموزان پیشگام
مراسم بزرگداشت
شهدای ۱۳ آبان
(شنبه خونین)
برگزار شد
در صفحه ۱۱
متن پیام سازمان چریکهای
فدائی خلق ایران بمناسبت
۱۳ آبان در صفحه ۱۰

تظاهرات ده ها هزار نفری خلق کرد در سنج و مهاباد آنها یکمدا فریاد می زدند: " در ییکار خلق کرد سازشکاری محکوم است "



سنج - صحنه ای از تظاهرات و راهپیمایی خلق کرد برای گرامی داشت شهیدای جنگ خونین کردستان
عید قربان ۱۳ سال در کردستان که به گرامی داشت شهیدای خلق کرد اختصاص یافته بود بر مزار شهیدای جنگ خونین اخیر و بایزرگداشت یاد آنها برگزار شد .
در شهرهای کردستان بخصوص در مهاباد و سنج تظاهرات و راهپیمایی های باشکوهی صورت گرفت . در مهاباد مردم از ۶/۳۰ صبح بر مزار شهیدان گرد آمده ، سین در خیابان ... به تظاهرات و

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



چرا مرکز جاسوسی آمریکا تسخیر شد؟ چرا نخست وزیر منتخب امام سقوط کرد؟

بازرگان سقوط کرد و شوروی ای انقلاب اسلامی زمام امور را قبضه کرد. این تغییر بعد نبال یک سلطه تشنجات و برپا پیر شد تصاد های دروسی جناح های هیئت حاکمه به وجود آمد. اما برای اینکه درک درستی از علل و اسباب این امر داشته باشیم، ضرورتاً باید هم وضعیت حاکمیت را در برابر جنس توده های وهم وضعیت درونی و جناح بندی های هیئت حاکمه را

کارگران آگاه می خواستند... سرنگونی شاه حکومتی روی کار بیاید که حافظ منافع مردم و در رأس آن طبقه کارگر باشد. کارگران آگاه خواستار استقرار دموکراسی واقعی بودند. حکومتی که اساس آن بر حاکمیت شورا های انقلابی کارگران و دهقانان استوار است. زیرا این تنها حکومتی بود که کارگران می توانستند از طریق آن نظام ظالمانه و ضد انسانی

حقوق دمکراتیک فعالانه جنبش را یاری کردند، در این راه خون ها دادند و حماسه ها آفریدند. همه این نیروها، کارگران دهقانان، کسبه و پیشه وران سر بازان و درجده داران همراه با مبارزین با شعار "مرگ بر شاه" و "مرگ بر امپریالیسم" به پای خاستند تا به زندگی اسارت بار خود خاتمه دهند و هر یک بنا به موقعیت اقتصادی - اجتماعی خود و بنا بر امکانات خود در جهت تغییر وضع و فراهم کردن شرایط اجتماعی مطلوب خود بودند. اما بی نیستم

می خواستند با گل های خونین انقلاب دسته گل های تزیینی برای سفره رنگین خویش فراهم کنند. راه درست را در این تشخیص دادند که نه ریش بگذارند و تسبیح به دست گیرند و بالای فرمایشات خود سینه تعالی بگذارند و از این طریق گوش شنوایی برای نصایح بس مفید خود پیدا نکنند و از هر شکافی و هر گداری و هر فرصتی برای بالا کشیدن و جا کردن خود در قدرت بهره

عمیقاً پایبندند. لیبرال ها با چنین نیرنگی سعی نمودند سعی می نمایند که سیاست ساز شکارانه خود را که هدف آن احیاء مشروطه ای گمشده دم بریده که زیر بنای آن همان سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است، به پیش برند و این هدف شوم خود را در برده نیرنگ آزاد پخواهی پنهان کرده خود را دمکرات و طرفدار دموکراسی جا بزنند و از این طریق نیروی سردم رابه خدمت نقشه خود در آورند. اینها همانهایی هستند که سالهای سال امپریالیسم را نصیحت می کردند که شاه بهتر است سلطنت کند، نه حکومت.

لیبرالهایی که قبل از قیام سعی می کردند شاه را از قیام توده ها بترسانند و از این طریق خود امتیازاتی کسب کنند، پس از قیام کوشیدند به همان گونه ترس قشریون مذهبی را از ابعاد حرکت توده ها و جنبش کمونیستی ایران دامن بزنند و برای خود مقبولیتی دست و پا کنند.

بررسی نمائیم. بیش از همه باید از خود بیروسیم.

"چرا مردم زحمتکش و ستمدیده ما قیام کردند؟"

در جنبش توده های کلام مشترک همه مردم "مرگ بر شاه" و "مرگ بر امپریالیسم" بود. مردم رژیم وابسته شاه را عامل ستم و فقر و فلاکت خود می دیدند. آنها می دیدند که رژیم دیکتاتوری با زندان ها و شکنجه ها، با استفاده از ارتشی که تا بن دندان به سلاح های امریکائی و اسرائیلی مسلح بود، با سازمان امنیتی که به مخوفترین وسایل شکنجه مجهز شده بود، ایرانی ساخته بود که در آن هر صدای جز صدای "آریامهری" به خونین ترین شکل خاموش می شد. آنها می دیدند که در رژیم شاه هر روز معدودی داوران تروانیه و خانه خراب تر و فقیرتری می شدند. آنها می دیدند که چگونه

سرمایه داری را براندازند و جامعه سوسیالیستی را برپا دارند. جامعه ای که طبقه کارگر و سایر زحمتکشان در آن از حاصل کار خود بهره مندی شوند. دهقانان ایران در جنبش شرکت کردند زیرا در دوران دیکتاتوری و فقر و فلاکت و خانه خرابی گرفتار آمده بودند. گندم و برنج و مرکبات امریکائی و اسرائیلی به خود معدودی دلال انحصارگر بازار را تسخیر کرد. مزارع و شالیزارها و باغات کشاورزی ایرانی را به براندازند و تبدیل نمودند. بانکها دهقانان را چاپیدند و به افلاس و ورشکستگی آنها دامن زدند. اکثریت بزرگی از زحمتکشانی روستاهای ایران زمینهای خود را از دست دادند و به شهرها کوچ کردند و سرمایه داران به بهای فقر و گرسنگی و بیماری و غربت آنان سرمایه های خود افزودند و گونه های گلگون خود را گلگون تر ساختند. برای کشاورز ایرانی جنبش انقلابی نویدبخش آینده ای بود که دیگر بانک ها و راجا پند، تلف خرها و اراغارت نکند، زاندارم ها و وراسر کوب نکنند و همه محصول کارش به خود وی تعلق داشته باشد و با تشکیل شوراهای دهقانی، اتحادیه های تعاونی و با اعتراضات و کک های دولتی مورد حمایت قرار گیرد.

نتیجه چه شد؟ به علت فقدان صف مستقل و سازمان سراسری طبقه کارگر که شرط لازم برای تأمین رهبری طبقه کارگر است و روحانیت با استفاده از دوامک اساسی تبلیغی و ترویجی و ارتباط وسیع و مستقیم با توده ها - از طریق تشکلات مذهبی - سنتی - بهره گیری از شعار همگانی "مرگ بر شاه" توانست جنبش را در پس

قشریون نیز که هراسان از ابعاد فزاینده جنبش توده ای دم افزون بود، و از قیام توده ها سخت به هراس افتاده بودند از همگان روزهای قبل از قیام سعی کردند جنبش را مهار کنند و برای پیشبرد مقاصد خود همدست و همکاری بهتر و وارد تروکم آزار تر از لیبرال ها نیافتند.

از آن سوقشریون مرتجع سعی کردند که شعارهای ضد امپریالیستی جنبش را علیه مردم خواست مردم که برقراری جمهوری دمکراتیک خلق است در خدمت تأسیس و تحکیم ولایت فقیه و سیستم به غایت ارتجاعی خلافت در آورند. ولایت فقیه ای که به علت عدم انطباق طبقاتی اش با آرمانهای حقیقی خرد و بورژوازی محکوم به شکست است. هر چند که شکل گیری آن بازتاب آرمان خواهی واپس گرایانه ای خرد بورژوازی باشد. بنا بر این مشاهده می کنیم که به گونه ای مضحک شعار توده ها میان لیبرال ها و قشریون تقسیم شده و هر یک مطابق منافع تنگ نظرانه و ضد کارگری و ضد توده ای خود یکی از این شعارها را مورد سوء استفاده قرار داده اند. ولایت فقیه گرچه با سلطه امپریالیسم در تضاد است اما تضاد آن با واقعیت های موجود بسیار حادث تر است. قشریون می کوشند مبارزه شان را با حاکمیت امپریالیسم که هدف آن استقرار ولایت فقیه است، همان مبارزه ضد امپریالیستی کارگران و زحمتکشان - که علیه غم اعدای قشریون هدف مستقیم آن استقرار جمهوری دمکراتیک خلق است - جای بزنند و از این طریق باردیگر نیروی آنها را به خدمت آمال خود در آورند.

تعلیقات و حرکات ضد امپریالیستی گفنی روحانیت تنها بر اساس تاثیرات متقابل حرکات ضد امپریالیستی خرد بورژوازی تعادل قشریون برای استقرار ولایت فقیه قابل بررسی است.

مبارزه بین بازرگان و قشریون و سقوط بازرگان و پذیرش وی در شورای انقلاب نشان می دهد که قشریون به همان اندازه که از لیبرال ها بیگنا هستند، همان اندازه نیز به آنها محتاج و امیدوارند.

برچم خود سمت دهد و مردم را تحت رهبری خود سیخ نماید. روحانیت با ننگ سرافکندگی داهی نوده ها و غربت آنان از شاه سرمد یک حیران اقتصادی و سیاسی. شعار "حمیوری اسلامی" را به مناسبت سپهر دردهای مردم عرضه کرد و با سکوت گذاشتن محتوای مورد نظرش از "حمیوری اسلامی" یعنی ولایت فقیه، آنها را راپدید آورد که هر کدام از نیروهای شرکت کرده در جنبش به دلخواه منافع خود را در آن منعکس شده ببینند.

از نظر قشریون هر کس قصدش از شعار "مرگ بر امپریالیسم" سپردن قدرت به دست قشریون نباشد و از قدرت انقلابی شوراهای واقعی کارگران، دهقانان، سر بازان و مردم زحمتکش دفاع کند ضد انقلاب است.

خلو گیری نموده و به اصطلاح آن را مهار کنند. از سوی دیگری از اهداف جنبش توده های مهن ما برانداختن دیکتاتوری و تحقق آزادی های سیاسی و حقوقی دمکراتیک بود. این سمت گیری ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری که اهرم تفکیک ناپذیر می باشد بی قدرتمند تر از آن بود که توسط سلطه جوان ساز شکار ناده گرفته شود. لذا جنگ قدرتی که مسان دو جناح هکت حاکمه بر سر قبضه قدرت بر با شدار همان آغاز گشت فرب کاری های گوناگون جهت بهره گیری از شعار توده ها و اوارسروی آنان همراه بود. لیبرالها با استفاده از خواستهای دمکراتیک جنبش سمت گیری ضد دیکتاتوری و ضد استبدادی مبارزه و از طریق تحریف این خواستها در چارچوب شعارهای احرافی و گول رنده خود کوشیدند تا خود را مدافع آزادی فلداد نموده و وایسود کنند که به اهداف ضد دیکتاتوری جنبش

لیبرالها، یعنی آن بخش از بورژوازی که دیکتاتوری شاه را مانع بر خورداری خود از همه مواهب ناشی از عارت توده های دسدو مدتها بود که غرولند گنان تقاضاهای اریستکراهما سونی می نمود، به محض گذشتن جنبش کوشد تا شعار جمهوری اسلامی را به نفع خود و ادد خود تعمیر نماید و مورد استفاده قرار دهد. آنها که مدتها سعی می کردند شاه را از طغیان توده ها سترسند و از این طریق برای خود امتیازاتی بگیرند، پس از روشن شدن سرنوشت محتوم شاه، در آستانه فنام توده ها انبار کوشدند ترس قشریون مذهبی را از ابعاد حرکت توده ها و جنبش کمونیستی ایران دامن رسد و خود راه عنوان منحصصن پیاده کردن جمهوری اسلامی جازسد، و از این طریق راه به سوی قدرت بگشاسد. لیبرالها که از ابعاد جنبش هراسان بودند از آنجا که خود نمی توانستند آترسهار کند و آرا حاکم بر کاسه

ما خواهان قطع کامل روابط اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی با امپریالیسم امریکاهستیم

بقیه در صفحه ۲ ضمیمه

تحلیل است که چرا امام بازرگان را به نخست وزیر انتخاب می کند و این موج جدید چاروی را ساقط می کند از اهمیت ریادی برخوردار است. درگیری درونی هیئت حاکمه بر محور به ساست تحول می نابد. یکی ساست سوانسی قشریون که با نگاه مستقیم آن خرد بورژوازی و ایس گرائی است که همور از اشکال تولیدی دوران طلوع سرمایه داری کنده نشده است و دیگر سیاست لیبرالهاست که سرمایه داری غیر انحصاری را نمایندگی می کند و بالاخره ساست انحصارات بزرگ وابسته که در سن

در "بالای شهر" کاخ هاسر به فلک می کشند و در "پائین شهر" حتی بیفوله های راهم که مردم برای سرفاهشان ساخته اند با بولد زر سرشان خراب می کنند. با آگاهی از همین واقعیت و با نفرت از همین وضعیت بود که توده های میلیونی مهن ما به خشم و خروش در آمدند. کارگران مادست از کار کشیدند و قهرمانان عدل مقابل رژیم پستادگی کردند و برادگر نمی خواستند در فقر و گرسنگی به سر برند. آنها قیام کردند، زیرا در جامعه ای به سر می بردند که هر گونه حقوق اجتماعی و سیاسی محروم بودند، و پاسخ هرا عنراض حق طلبانه آنها رگبار مسلسل های رژیم شاه بود. آنها در نابودی رژیم پهلوی محرومیت خود را می دیدند. آنها قیام کردند و برادگر نمی خواستند سهره جانشان شهید سرمایه داران شود.

در جهت سهروری مردم مهن خود و در جهت استقلال و آزادی و کسب

چرا مرکز جاسوسی آمریکا تسخیر...

بقیه از صفحه ۱ ضمیمه

ارتجاعی ترین تمایلات قشربون خود را پنهان می کند و با هر فرمان قشربون مبنی بر سرکوب توده ها و نجات سیستم ، به ترمیم نهاد های سرمایه داری و احیای ارگان های سرکوب پیشین پرداخته و می گوید ضمن تحکیم این ارگانها رندانه و زورخانه آنها را به تصرف خود در آورد سرمایه داری انحصاری که در نتیجه قیام ضرباتی بس سنگین خورده است اکنون سیاست های خود را در هیأت حاکمه از طریق احزاب سازمان های آشکارا وابسته به خود پیش نمی برد ، بلکه تاکتیکهای بس غیرنرج تئوری را اعمال می کند . عاملین سیاست انحصارات در ظاهر چنان با ارتجاع قشری در آمیخته اند و چنان جانماز آب می کشند که مشخص کردن و متعاقب نمودن آن به طور ساده ممکن نیست و تنها با درک روند سیاست انحصارات است که این بازی گران و طراحان توطئه گرا ز پرده بسرون می آیند و ماهیت خود را بیرون می دهند .

مبارزه با سیاست انحصارات بزرگ وابسته که در حاکمیت جریان دارد و ارتجاع قشری پرده ساز آن است در موقعیت کنونی به عنوان عامل سرکوب کننده جنبش توده ای در برابر مافزار داری و در پطن این سرکوب است که "سرنیزه خونین"

قشربون می خواهند تضادهای درونی خود را با بسیج مردم در یک مبارزه "مشروع و بی آزار" با امپریالیسم به نفع خود حل کنند .

امپریالیسم صیقل می یابد و تیزتر می شود سیاست های بورژوازی لیبرال هر چند همان سیاست انحصارات نیست ، لیکن از آنجا که تحکیم سیستم سرمایه داری وابسته را هدف قرار می دهد لزوماً سیاست خود متضاد با سیاست انحصارات وابسته و امپریالیسم است .

بازرگان برای پیشبرد جنبش سیاسی کوشش می کرد و به عنوان "نخست وزیر منتخب امام" کام به گام آن رابد پیش می راند . ما شاهد بودیم که بازرگان به نفع بورژوازی لیبرال و در جهت "عادی کردن وضع" در برابر قشربون که رویای نظام خلافت را در مخیله دارند ، به مخالفت - خوانی هایی می پردازد و شاهدیم که نمایندگان بورژوازی در هیئت

مبارز کردن دامنه نفوذ لیبرالها و مرعوب کردن آنان را با سماجت دنبال کرده و می گویند تا ناتوانی های خود را به این ترتیب جبران نمایند و از کاهش نفوذ اعتبار خود در نزد توده ها جلوگیری کنند .

تسخیر سفارت آمریکا و موضع نیروهای مختلف در برابر آن:

اگر در روزهای قبل از قیام برداشت روحانیت از معنای شعار مرگ بر شاه با برداشت زحمتکشان از شعار مرگ بر شاه تمایز اساسی داشت ، حرکات ضد امریکائی امروز آنان ، شباهتی به مضمون وجهت مبارزه ضد امپریالیستی کارگران و

وابسته ایران داشته باشند ، نه می توانند اساس آن را در گروین سازند . آنها از همان ابتدا با احتیاط کوشیدند تا "استخدام" لیبرالها در حکومت خود این ضعف تاریخی خود را جبران نمایند . از ایس رو آنان می گویند با اتکا به سنت های شیخ و تبلیغ روی رابطه امام و امت و با استفاده از اعتماد توده های گمراه شده دنبال دارند از لیبرالها به عنوان اهرمهای اجرایی حکومت خود ، برای اداره امور استفاده کنند . آنها در عین حال که می گویند بازرگان همان چهره ایده آل نیست و نمی تواند شد در کمال بدبختی و زبونی و اجبار اورا استخدام می کنند تا کارشان را انجام دهد . قشربون نمی توانند در این جامعه قطعه سرمایه داری دولت واقعی خود را

رهبری فاطمانه طبقه کارگر و زحمتکشان . در عصر کنونی مبارزه با امپریالیسم نمی تواند جدا از مبارزه با سیستم سرمایه داری صورت گیرد . جنبش مبارزه ای از عهده قشربون ساخته نیست ، آنان تنها با مبارزه ای سطحی و مهار شده (به شرط حفظ "مالکیت مشروع سرمایه داری") در چارچوب ولایت فقیه موافقت دارند . آنها از شرکت دمکراتهای انقلابی و به ویژه هواداران راستین طبقه کارگر یعنی کمونیستها در این مبارزه بیم دارند و با وحشت اعلام می کنند آنها می که دور سفارت جمع شده اند ، آنها می که خدای ناکرده می گویند باید سلطه اقتصادی ، سیاسی ، نظامی و فرهنگی امپریالیسم را بر اندازیم ضد انقلاب اند . قشربون می گویند هر کس میگوید "مرگ بر دمکراتیک" و

حزب توده سعی می کند با فریب طبقه کارگر و توده ها ، مسیر رشد آتی جامعه ایران را در جهت سیاست قشربون معرفی کند ، چرا که این حزب مدت ها است که دیگر به مبارزه طبقاتی اعتقادی ندارد و منادی آشتی طبقاتی و صلح و صفای ابدی است .

زنده باد ولایت فقیه انقلابی است و تمامی آنها می که این کلمات را بگویند صد انقلابی اند . در فرهنگ خاص این قشربون هر کس که قصدش از شعار مرگ بر امپریالیسم ، سپردن قدرت به دست قشربون نباشد و از قدرت انقلابی شورا های واقعی کارگران ، دهقانان ، سربازان و مردم زحمتکش دفاع کند و به همین جهت از "حکومت فقیه" دفاع نکند ، صد انقلابی است ، بنظر اینان هر کس که با اجرات بگوید این نمایشنامه مجلس خبرگان خیل سی مضحک است و هر کس بگوید شکم گرسنه ما هم می خواهد و برای مبارزه با امپریالیسم جفت و قیام مبارزه با امپریالیسم رسمیت شناخت و فعالیت آزاد سازمانهای انقلابی لازم است ، هر کس از خلق وستم مضاعف خلقها سخن گوید و خلاصه هر کس یک جمله ، یک کلمه و حتی یک حرف هم برگشته های آنان بیفزاید یا کم کند توطئه گرو شیطان و خبیث و مفسد است .

قشربون می گویند فقط همان حرفهای انقلابی است که از زبان تنه پز شده چند تن خیره مجلس نشین بیرون می آید و نه جز آن . خلاصه و اقیبت این است که آنها تنها می خواهند تضادهای درون هیئت حاکمه را با بسیج مردم در یک مبارزه مشروع و بی آزار با امپریالیسم به نفع خود حل نموده و همه قدرت را قبضه کنند

در چنین موقعیتی و طایف مارکسیست - لنینیستها چیست؟ ما شاهدیم که بورژوازی عوام فریبانه با بهره گیری از تمایلات دمکراتیک زحمتکشان ، شعار آزادی را اعلام می کند و خرده بورژوازی قشری می کوشد از تمایلات ضد امپریالیستی طبقه کارگر و زحمتکشان به سود خود بهره برداری نماید . بدین طریق هر یک می کوشند تا مقاصد خود را به کرسی بنشانند و خود را نمایندند به روح همه ملت و "مستضعفان" معرفی کنند .

در چنین موقعیتی وظیفه ما شرکت هر چه وسیع تر و فعالیتها را آگاهانه تر در جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی توده ها است . بقیه در صفحه ۳ ضمیمه

توده زحمتکش ایران ندارد . آنها تنها با بهره انداختن یک موج کنترل شده بر علیه امپریالیسم فقط نیروی توده ها را به خدمت خود در آوردند و جنبش است که مشاهده می کنیم به جای این که موج صد امپریالیستی در جهت قطع همه جانبه وابستگی به امپریالیسم

چرا حاکمیت گامی پیش نمی گذارد و دنبال اشغال سفارت آمریکا همه روابط اقتصادی و سیاسی و نظامی و فرهنگی با امپریالیسم آمریکا را قطع نمی کند؟ چرا می کوشند حرکت توده ها را مهار کنند؟ چرا از گسترش حرکت ضد امپریالیستی توده ها هراس دارند؟ چرا تمایز با اشغال سفارت و معاوضه عده ای جاسوس با شاه که مدت ها است برای مردم مبارز ایران مرده است اکتفا می کنند اما به محتوای قطع کامل روابط با امپریالیسم آمریکا توجهی ندارند؟ پاسخ همه این چراها در ماهیت طبقاتی قشربون نهفته است

یعنی تا بودی سیستم سرمایه داری وابسته پیش رو به مرعوب شدن لیبرالها و تحکیم موقعیت شورا ی انقلاب منتهی می گردد . چرا هیئت حاکمه گامی پیش نمی گذارد و به دنبال تسخیر سفارت آمریکا ، قطع همه روابط اقتصادی و سیاسی - نظامی و فرهنگی با امپریالیسم آمریکا را اعلام نمی کند؟ چرا می کوشند حرکت را مهار کنند؟ چرا از بسط حرکت ضد امپریالیستی هراس دارند؟ چرا تمایز با امپریالیسم را می خراشند ولی آنرا به زانو در نمی آورند؟ پاسخ این سؤالات همه در ماهیت طبقاتی قشربون نهفته است .

مردم میهن ما خواستار قطع کامل هرگونه وابستگی اقتصادی ، سیاسی ، نظامی و فرهنگی با امپریالیسم آمریکا و بطور کلی امپریالیسم جهانی هستند . مردم میهن ما می خواهند تا از طریق پیشبرد مبارزه دمکراتیک و ضد امپریالیستی با شرکت و اتحاد همه نیروها سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته را بر اندازند . و این هرگز میسر نمی شود مگر تحت

تشکیل دهند ، آنها لیبرالها را به کمک فراخوانند و سعی کردند به نیروی بسیج توده ای که به دنبال داشتند لگام قدرت طلبان نریگ باز دارند خود داشته باشد . مبارزه بین بازرگان و قشربون و سقوط بازرگان و پذیرش وی در شورای انقلاب نشان دهنده این واقعیت است که قشربون که فعلاً هنوز "دست بالا را در قدرت دارند ، به همان اندازه که از لیبرالها بیمناک هستند ، همان اندازه نیز به آنها محتاج و امیدوارند زیرا قشربون برای مقابله با بحران های ناشی از ناتوانی شان در اداره سیستم سرمایه داری وابسته بران که تا نبود ری زیم پهلوی در عمده ترین بخش انحصاری آن دچار است های جدی شده است و تخفیف بحران به کمک آنان سخت نماز دارند . این است محرک اصلی این بیم و امید قشربون در انتخاب بازرگان و کنارت نهادن آن و فراخواندن وی به شورای انقلاب . از این بازی هادر آینده نیز فراوان خواهیم داشت . در این مقطع قشربون سیاست

حاکمه هر چه بیشتر پشت سر آقای بازرگان صف کشیده بودند . تضادهای دوجناح از همان آغاز قیام آشکار بود ، همان جناح ها بر سر فرزندم تو خالی جمهوری اسلامی ظاهر به توافق رسیدند . در مقطع تدارک مجلس خبرگان آشکارا و بروی هم ایستادند ، سپس قشربون که با هدف سرکوب نهضت حق طلبانه خلق گردید به گردستان بورش برده بود از فضائی که به دنبال آن ایجاد شده بود برای مرعوب کردن لیبرالها سود جست و فرماندهی کل قوا حق تدوین قانون اساسی را به انحصار خود در آوردند (و در همین جریان و همین سرکوب بود که چمران به تیز گردن چاقوی امپریالیسم یعنی ارتش پرداخت) . اکنون تضادهای درونی هیئت حاکمه با زهم رشد کرده و قشربون مصمم شده اند که یکبار دیگر خزش لیبرالها به سوی قبضه قدرت را مهار سازند . بر این تضاد و آزاران مهتر بار شد تضاد بین حاکمیت موجود و واقعیت های موجود ، اغلب

اولاین سیاست بر آن است تا مرکز هر چه بیشتر را ایجاد کرده و با زور سرنیزه به همه کشور تعمیم دهد . ثانیا می گویند همه ارگانهای پیشین سرکوب توده ها را احیا کرده و برای برنامه های آتی خود آماده سازد . ثالثا دشمن خوین آزادی سیاسی است و از طریق تشکیل و تربیت "باند های سیاه" و تشویق صف بندی بر اساس مذهب ، تشویق سیاست سرکوب نیروهای انقلابی و انحلال سازمانهای انقلابی و مطبوعات انقلابی و پیشرو سیاست خود را پیش می رانند . این سیاست خواهان و مشوق محسوب می شود آزادی های سیاسی است و برخلاف لیبرالها که سیاست انتقاد از قشربون را در پیش گرفته اند و از ولایت فقیه انتقاد می کنند ، تضاد و اختلاف فرد را با قشربون و ولایت فقیه آشکار نمی کنند و سعی دارند از طریق این وحدت لیبرالها را بیرون رانند و سیاست سرکوب متحرک را اعمال نمایند . رابعاً اینان اتحاد خود را با زحمتکشان قشری بر اساس موضع مشترکشان در سرکوب جنبش کمونیستی تحکیم می بخشند و بطور پنهانی می کوشند تا هر چه بیشتر ضرورت نزدیکی با امپریالیسم را به قشربون اثبات کنند . این سیاست با استفاده از امکانات تبلیغاتی وسیع و علنی ، رسمی و نیمه رسمی ، دائماً علیه جنبش کمونیستی و جنبشهای کارگری و توده ای سیاسی می کنند ، دائماً در تلاشند تا تضادهای درون خلقی را تشدید کنند و به نقطه ستیز بکشانند . و از این طریق انرژی انقلابی نیروها را به انحراف و بی راه ، سوق دهند و در نهایت زمینه را برای قبضه کامل قدرت فراهم سازند . در این زمینه گرایشات ارتجاع مذهبی و قشربون بستر مناسبی برای پیشبرد سیاست آنهاست ، و بر این زمینه با هم اشتراک نظر و عمل پیدا می کنند . با درک این سیاست است که ماهیت عملکردیاند چمران و قطب زاده و بزیدی شناخته می شود و معلوم می گردد که ریش و تمسح آنها با آن فریفتن چه کسانی به بار گرفته می شود .

گسته باد همه وابستگی های اقتصادی ، سیاسی ، نظامی و

چرا مرکز جاسوسی آمریکا تسخیر

بزرگوار "پس از آن همه" کتاب خواندن ها " و " سی و هشت سال مبارزه بی گبرویی امان " هنوز این را درک نمی کنند که کومینست ها " همواره کارگران را متمايز خواهند نمود ، همواره جنبه موقتی و مشروط این همبستگی را توضیح خواهند داد ، همواره مجزا بودن طبقاتی پرولتاریا را که فراموش است در جبهه مخالف متفقین امر روزی خود قرار گیرد خاطر نشان خواهند کرد " (۱) (مجموعه آثار و مقالات لنین ، وظایف سوسیال دموکراتها ی روس - صفحه ۶۶) . شاید " دانشمندان بزرگوار " کومینستهای ایران را مشمول " همواره " ای که لنین اینچنین بر آن تاکید دارد

متحجر مذهبی از آنجا که در خدمت و بخاطر پیشبرد مبارزه سیاسی و طبقاتی مطرح شده اند نمی توانند در برخورد با حرکت عینی مبارزه طبقاتی خرد بورژوازی شکسته نشود .
بر این اساس ، این گرایش روحانیت را بطور کامل از طبقات جدا می کند و مدعی می شود چون جریان تسخیر سفارت آمریکا و سایر حرکات ربطی به مبارزه بطور عینی در حال گسترش طبقات اجتماعی ندارد . لذا پیشگامان پرولتاریا که لزوما باید بر اساس منافع شخصی و تاریخی طبقه کارگر حرکت کنند نمی بایست در این حرکات شرکت نمایند . این جریان چپ تاکتیکی

مردم را سرعاز دست ندهد . دستگاه روحانیت* بر اساس جبرناشی از گسترش مبارزه طبقاتی لزوما تجزیه می گردد و دور روند این تجزیه در برخورد با منافع واقعی خرد بورژوازی ، بخش روحانیت در جهت منافع خرد بورژوازی حرکت می کند . در نتیجه این مردمگم آن سائیده می شود و فرو می ریزد . هم اکنون نیز جریان و قایع کنونی نشان داده است که در مجموع و چهار تجزیه و ضد مکرراتی یک بخش از قشریون در برخورد با منافع واقعی خرد بورژوازی آهسته آهسته سائیده شده مکان و موقع واقعی خود را باز خواهد یافت ، نقش و عمل یک جناح

مارکسیست - لنینیستها باید بگویند ما هیت مبارزه ای را که بین خرد بورژوازی قشری و بورژوازی لیبرال در گرفته است در رابطه با منافع مردم زحمتکش توضیح دهند و راه زحمتکش را در رسیدن به دموکراسی توده های از نقشهای خرد بورژوازی قشری و بورژوازی لیبرال و درگیریهایی میان آنها متمايز کنند و به توده ها بشناسانند .

می دانند . زیرا این " دانشمندان بزرگوار ، " مدت ها است که دیگر معتقدیه مبارزه طبقاتی و تمایز طبقاتی پرولتاریا نیستند . آنها منادی آشتی طبقاتی و صلح و صفای ابدی هستند .
از سوی دیگر هستند رفقای صادقی که خود را درگیر مضمسه می بینند . جوهر تفکر آنان که به ویژه در محیط های روشنفکری عمل می کنند حاکی از آن است که آنان قادر نیستند در این حرکت قشریون اساسا بر دست مبارزه طبقاتی جریان یافته است . و نه در خارج آن ، این تفکر قادر

" تحریم " را توصیه می کند . آنها چون نمی توانند خود را با مبارزه عینی طبقات به درستی منطبق سازند " آنگاه به چنین نتیجهایی بهانه هائی متوسل می شوند . کوهائی در تصحیح این انحراف در غلغله به آن اپورتونیسمی است که در قیام بهمین ماه نیز توصیه می کرد چون صف مستقل پرولتاریائی وجود ندارد ، شرکت خرد بورژوازی تمام خواهد شد . و بنا بر این بر عدم شرکت کومینستها در قیام پای شترد . همچنانکه در آن مورد دیدیم ، این بار سز

از روحانیت قشری در جریان تسخیر سفارت شاهدین مدعا است . اکنون شاهد حرکتی هستیم که طی آن یک بخش از قشریون مجبور شده اند آرزوهای واپس گرایانه خود را با روند عینی مبارزه طبقاتی خرد بورژوازی که حامل گرایش تواما ترفنی خواهانه و واپس گرایانه است درسیا میزند و خود را با واقعیت عینی حرکت تاریخی خرد بورژوازی که لزوما دواگانه است منطبق سازند .
بخش دیگر نیز خواهد کوشید همین دم که هارا از طریق سرکوب جنبش کومینستی و حرکت توده ها

وقتی امام اعلام می کند فقیه باید ایرانی باشد ، این خود به مفهوم نفی یکی از ارکان تئوری ولایت فقیه است . این بدان معناست که قشریت به سود واقعیت می شکند و باید بشکند تا پیوند خود را با منافع طبقاتی معین ، محفوظ دارد .

نیست درک کننده روحانیت قشری در شرایط کنونی - بیشتر آرمانخواهی واپس گرایانه و خرد بورژوازی است و مهمتر اینکه نمی تواند از مبارزه طبقاتی بطور عینی در حال گسترش عینی و علی الخصوص مبارزه طبقاتی خرد بورژوازی متاثر نباشد . و باز بگردد و پیچیدگی هایی به سوی واقفیات کشیده نشود .
این دید که روحانیت را از نمایندگی خود روحانیت بدانیم اساسا غیر مادی و ضد مارکسیستی است . روحانیت که یک نهاد روپائی است نمی تواند از لحاظ طبقاتی به اقشار و طبقات مختلف جامعه وابسته نباشد . وجود پاره ای از خصوصیات کاستی در روحانیت نباید به یک درک غیر عامی از آن و از مفهوم " کاست " این گرایش معتقد است اولاً تئوری " ولایت فقیه " نه بر اساس دیدگاههای واپس گرایانه خرد بورژوازی بلکه تنها بر اساس تعالیم خود روحانیت قشری تنظیم شده و ربطی به حرکت طبقات ندارد . این گرایش نمی بیند که دم هائی به غاست

اعتقاد داریم تنها و تنها با شرکت فعال در هر حرکت ضد امپریالیستی و دموکراتیک با در دست گرفتن ابتکار عمل و طرح و پیشبرد شعارهای پرولتاریا و سیاست پرولتاریا به ستر حرکت مادی مبارزه طبقاتی است که کومینستها می توانند پیوسته به وظایف اساسی خود که کوشش بی وقفه در راه تعیین سرکردگی پرولتاریا در جنبش خلقی است عمل نمایند . از این رو ما موظف با تبلیغ و ترویج هر چه وسیع تر به کمک افشاکری همه جانبه سیاسی و شرکت فعال در هر نوع حرکت اعتراضی توده ای فرصت ندهیم که برچم مبارزه ضد امپریالیستی بردوش کسانی قرار گیرد که تاریخ رسالت آنان را در انجام چنین وظیفه ای باز ستانده است .

تحمیل نماید . این بخش لزوما با امپریالیسم پیوند یافته و در خدمت آن قرار گرفته به دستکش مشت یولادین آن بدل خواهد شد . در چنین صورتی این بخش از روحانیت و نیروهائی که پشت سر خود هیچ می کند علیه اهداف خرد بورژوازی و علیه جناح دیگر روحانیت به کار گرفته خواهند شد . و بالاخره بخش دیگری از کسل دستگاه روحانیت یا تکیه بر دم های خود به تدریج به یک جریان سیرنده تاریخی تبدیل شده و حضور مادی خود را در مبارزه طبقات عملا از دست می دهد . چنین است که دستگاه روحانیت جبراً و بنا بر قانونمندی های حرکت و مبارزه طبقات اجتماعی فی النفسه آستن اشعاب و پراکندگی است و نه هم گراشی و تمرکز که شرط حاشی شکل گیری و تداوم حیات یک کاست است .
خطاست هرگاه تصور کنیم که آرمانخواهی مجموعه روحانیت لزوما محکوم است در چارچوب دم های بسیار متحجر آن همچون ولایت فقیه باقی بماند . خبر اس دم ها در برابر فشارهای عینی حرکت طبقات شکسته

می شوند و جای واقعی خود را در کشاکش طبقات باز خواهند یافت وقتی امام اعلام می کند فقیه باید ایرانی باشد این خود به مفهوم نفی یکی از ارکان تئوری ولایت فقیه است . این خود بدان معنی است که قشریت به سود واقعیت می شکند و باید بشکند تا پیوند خود را با منافع طبقاتی معین ، محفوظ دارد . زیرا ما دیت تاریخی می گوئیم شعرا اجتماعی و بطور کلی تمام نهاد های روپائی - هر چند با استقلال نسبی - از پویای تاریخی طبقات اجتماعی پیروی می کنند و نه بالعکس .

حرکات اخیر و جریان اشغال سفارت آمریکا و بطور کلی - تداوم سایش هائی که در پیکساله اخیر چه در تفکر و دیدگاهها و مواضع جناح نیروهای مترقی مذهبی و چه در بخش هائی از نیروهای واپس گرای مذهبی پدید آمده است به وضوح در جهت بازگشت آرمانخواهی حقیقی خرد بورژوازی برواقعیت عینی حرکت تاریخی آنان صورت گرفته است .

ایده های اتوپیک اندیشه گران خرد بورژوازی سرانجام فیلوسوب منافع واقعی خرد بورژوازی خواهد شد و جبراً برواقعیت هائی دیالکتیکی زمین پایبند می گردد . تنها با توجه به این نحوه نگرش به مساله است که می توان از روند وقایع تاریخ یک ارزیابی علمی و عینی ارائه داد .

مادرا علامه ۱۴ آبان خود در تشریح جریان تسخیر سفارت آمریکا دچار خطای جدی شدیم ما حرکتی را که از جانب این بخش از روحانیت برای تطبیق حرکت خود با منافع واقعی خرد بورژوازی به منظور حفظ موقعیت حاکمیت در برابر لیبرالها و بین توده ها صورت گرفته بود ، یک حرکت خود انگیخته توده های قلمداد کردیم . این تصویر تلاش خرد بورژوازی را همان خروش انقلابی توده ها می شمارد و مرز بین آنان و حرکت خود انگیخته توده ای را مشخص می سازد . موضع پرولتاری آن بود که با خط فاصل دقیق و روشن بین این عاملین واقعی حرکت و نیات آنان و خواست زحمتکشان و نیات آنان تصویر روشنی از واقعیت موجود برای توده ها ترسیم می کرد . تنها در چنین صورتی است که پیشگامان پرولتاریا قادر خواهند شد ضمن شرکت فعال در مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی و تعیین آن به دنباله روی از خرد بورژوازی کشیده نشوند .

عدم توجه به این نکته اساسی به زیان جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی مردم ایران و به زیان پیشبرد و تحقق شعارهای اساسی آن تمام خواهد شد ، زیرا " امتزاج فعالیت دموکراتیک طبقه کارگر با دموکراتیسم سایر طبقات و دستجات نیروی جنبش دموکراتیک راضعیف می کند ، مبارزه سیاسی راضعیف می کند ، قطعیات و نیات آن را مستعد تری می سازد .

(لنین ، وظایف سوسیال دموکراتها در انقلاب دموکراتیک (۱۹۰۵)

بقیه در صفحه ۴ ضمیمه

فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا ...

